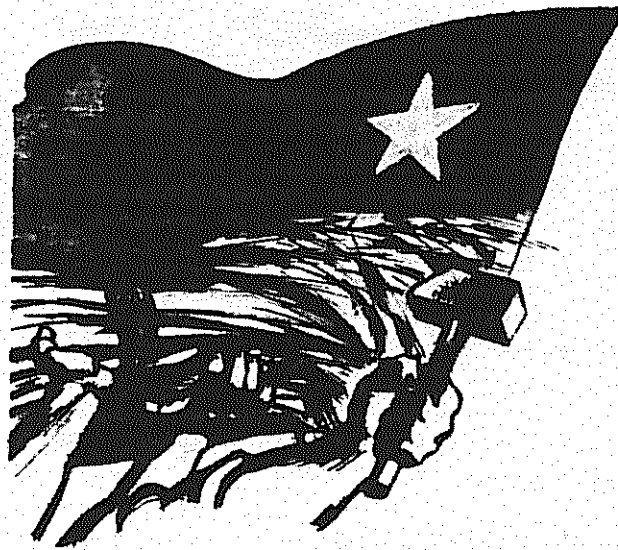


بررسی اوضاع سیاسی و رهنمودهائی به هواداران

اوضاع سیاسی حادی بر میهنمان حکمفرماست. تحولات سیاسی بطرز چشمگیری با شتاب در جریان است. سرعت حوادث و رویدادهای سیاسی و کیفیتی که هر یک از آنها بخود میگیرند، بگونه ایست که وقوع تکانهای شدید سیاسی - اجتماعی را در آینده نزدیک کاملاً محتمل نموده و نشانه های آن از هم اکنون بچشم میخورد. بر بستر بحران اقتصادی ای که چه در رشته های صنعت و تجارت وجه در امور مالی و غیره، کل جامعه را در بر گرفته و وضع می یابد، در اکثر مناطق، دامنه برخورد های سیاسی (باشدت و ضعف مختلف) گسترده تر میگردد. بقیه در صفحه ۱۸



با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بهاری دیگر است. بهاری پشت آنهمه فریاد و خون، سرشار از لبخند امید و هلهله شادی، بهاری با شکوفه های سی همرنگ خون اینبوه شهیدان، بهاری که بر برگ برگش غروب سرما یسده داری نا بودی ستم و استعمار طبقاتی و طلوع رهائی زحمتکشان نقش بسته است. اما هنوز لبخند بر لب زحمتکشان گنگل نینداخته بود که ناگهان گلوله های فدا انقلاب بر پیکر انقلاب نشست. سنجید به خون کشیده شد و خلق دلاور کرد که بر بقیه در صفحه ۲

سومین بهار بعد از قیام فرا میرسد. با فرارسیدن بهار و نوروزی که در راه است، قیام سه بهار را پشت سر می نهد بی آنکه با بهار آزادی زحمتکشان دیداری داشته باشد و بی آنکه شکوفه هایش در فضائی تهی از ستم طبقاتی و سرشار از نسیم رهائی شکفته باشد. در جریان انقلاب و بعد از قیام اولین بهار که فرارسید، زحمتکشان بهار را، بهار آزادی و رهائی پنداشتند و با درو دهائی آتشین بهار را تهنیت گفتند چنان که گفتی این بهار،

شماره ۱۰۳ چهارشنبه ۱۲ فروردین منتشر می شود

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- آزمایش نامه های کارگران
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو

سرکوب خونین کارگران کفش ملی، خشم توده کارگران و زحمتکشان را برانگیخت

از روی تجربه، وزندگی روزمره خودیسه سیاستهای عوام فریبانه جمهوری اسلامی پی می برند. مبارزات کارگران هر روز حادتر می شود. در پی اعتصابات شرکت هوفمن و سپس اعتصاب شرکت تاساف، مبارزه کارگران چرم رختان، ابتدا بر بقیه در صفحه ۴

مبارزات کارگران کفش ملی در ماههای اخیر برای گرفتن خواسته های برحقشان ناوچ بی سابقه ای یافته است. اعتصابات و اعتراضات گسترده ای در واحدهای مختلف کفش ملی شکل گرفته است. توده عظیم کارگران کفش ملی به مبارزه کشیده شده اند. کارگران بتدریج

رهنمود
هاشمی و فسنجانی
به امپریالیست ها

دهقانان باید خودشان
دست بکار شوند و زمینهای
زمینداران بزرگ را مصادره کنند

صفحه ۱۰

صفحه ۹

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

بایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بقیه از صفحه ۱

بیکاری، رنج و تلخی زندگی نباشد. زحمتکشان این بهار را نیز اگر شد با گلدان گلی ارزان، با پارهای ناز و ظرفی خورش، با مشتی نقل و بشقاب شیرینی واگر نشدحتی با لبخندشادباش خواهند گفت و با زهم جوانه های امید را در عمق رنج خواهند پیرورد و چنین که پیداست میروند تا این بار مبارزه ای چنان عظیم را سا مان بخشند که برای همیشه استثمار از میان برخیزد و تمام فصول سال "بهار آزادی" زحمتکشان شود و عید واقعی آنها فرارسد.

اما امروز در آستانه بهار رسوم و سالی نو، شرایط زندگی توده های زحمتکش صدها بار مشقت با ترودشوار ترا ز گذشته شده است اکنون در آستانه سال نو، در حالی که سرمایه داران و زمینداران، محترمان و مفت خورها، وابستگنان و جیره خواران رژیم حامی سرمایه داران بیهای فقر و فلاکت توده ها برای خود عید میگیرند و جشن برپا میکنند، در حالی که بر سفره آنها انواع و اقسام غذا، بر سر میزهای پذیرائی شان دهها نوع شیرینی، آجیل و میوه گذاشته شده است، و فرزندان آنها در لباسهای رنگارنگ و زندگی تجملی خود فخر میفروشند، کارگران، دهقانان و زحمتکشان دیگر میهن ما، که زیر بار گرانی سرسام آور و بیکاری، با فقر و فلاکت روز افزونی روبرو هستند حتی قادر نیستند یک دست لباس ارزان قیمت برای فرزندان خردسال خود بخرند و کمی شیرینی و میوه تهیه کنند، سال نو را نه با شادی و سرور بلکه با تلخی ناشی از فقر، مصیبت و تنگدستی، با خشم و نفرت نسبت به نظامی که در یک سوی آن ثروت و خوشبختی و در سوی دیگران، فقر و تهیدستی، قرار دارد، آغاز می کنند. هم اکنون در آستانه سال نوزدیک به چهار میلیون تن از هموطنان زحمتکش ما بیکارند، وزیر با رخصت و گرسنگی، فروخانه خرابی زندگی آنها در خطر نابودی واقعی است. رشدها را سناک مشاغلی چون دستفروشی، ماشین شویی، سیگار فروشی و... افزایش گدائی و دزدی که اکنون ابعاد وسیعی بخود گرفته است، حکایت از این فقر، و فلاکت دارد.

از سوی دیگر کمپانی و گرانی کالا های مورد نیاز زحمتکشان برای این فقر و فلاکت افزوده است. در طی همین چند ماه گذشته قیمت پارهای از کالاهای دونا سه برابر افزایش یافته و ارزش پول بمیزان چیرت آوری کاهش یافته است. اما نه تنها مزد و حقوق زحمتکشان افزایش نیافته، بلکه همان مزد و حقوق اسمی هم با شکار گوناگون کاهش

دستاوردهای انقلاب پای میفشرد در یافت که هنوز تا بهار آزادی راهی خونین در پیش است. خلق دلاور کرد بر سرخترین گلهای فروریخته بر خاک در بهاری غرقه در خون، یکپارچه مبارزه و مقاومت شد و در برابر آنها جمدا انقلاب ایستا دو بر آن شد تا از بهاران خونین بگذرد تا بهار آزادی فرارسد.

توده های زحمتکش که در آستانه خونین اولین بهار بعد از قیام، حاکمیت را نماینده خواست های خود میپنداشتند، در جریان انقلاب و در فاصله سه بهار، از بهاری تا بهار دیگر تا همین بهار که اکنون در آستانه آنیم پرده های وهم و پندار را لایه لایه از چشم بر گرفتند و میروند تا واقعیت را به تما می دریا بند. توده های زحمتکش میهن از واقعیت زندگی و از تجربه های خشن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دریا رفتند و دم فزون در میا بند که این حاکمیت در تدارک تحقق کامل خواست سرمایه داران است. زحمتکشان، سدی است در برابر انقلاب و روز به روز بر شدت سرکوب زحمتکشان و نیروهای رزمنده انقلابی میافزاید. زحمتکشان دیدند و سرانجام دریا رفتند که چگونه حاکمیت بهار کردستان را به خون کشید. دیدند که چگونه در "قارنا" در "قلاتان"، در "ایندر قاش" در شهرها و روستاها حمای خون بسرا راه انداخت. دیدند که چگونه در ترکمن صحرا، با توپ و تانک و تفنگ ارتشی و پاسدار، خانه های مردم و دلاوران ترکمن را به آتش و خون کشید و به حمایت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ شوراها و ستاد خلق ترکمن را چون آسا فروگرفت. دیدند چگونه خلق عرب را دسته دسته شکار کرد و به گلوله بست. دیدند چگونه مبارزات کارگران، تحصن ها و اعتصابات کارگری را با چوب و چماق و گلوله زیر هجوم گرفت. دیدند چگونه به ضرب شلاق و تحقیر و تکفیر به پایمال کردن حقوق انسانی و سیاسی اجتماعی زنان همت گماشت! دیدند چگونه دستاوردهای انقلاب، شوراها، مطبوعات آزاد و اندیشه آزاد با هزار نیرنگ و ضربه پنهان و آشکار به بند کشید. دیدند چگونه ستادها و کانون های نیروهای انقلابی را در محاصره پاسداران گرفت و رزمندگان فدائی و مجاهدین را در محاصره رزان را روانه زندان های جمهوری کرد. دیدند چگونه چماق داران و قداره بندان جمهوری اسلامی به جان مردم افتادند و دست بردار نیستند! و همچنان میبینید که چگونه قانون پشت قانون و لایحه پشت لایحه در حمایت از سرمایه داران و جناحیتکاران و مزدوران به تصویب میرسانند.

اما زحمتکشان که همواره جوانه های امید را در خفته ترین شرایط تاریخی در عمق زندگی پرورده اند و در هستی تاریخی خویش جناحیتکارانه ترین رژیم های سرمایه داری را فروگرفته اند و واژگون کرده اند با زهم زبهار طبیعت حتی با دستهای تهی استقبال خواهند کرد. بگذار این بهار هم همچون هزاران بهار بر سفره نوروزی زحمتکشان جسر گرسنگی، فقر، بیخانمانی، گرانی

با فته است. کارگران که طی چند ماه اخیر به بهانه این جنگ ارتجاعی تحت فشار و استثمار شدیدتری قرار گرفته اند و همواره با فشار "لزوم افزایش تولید" مواجه بوده اند، و دستمزدها آنها به بهانه های مختلف کاهش یافته است، زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و اکنون این رژیم ضد انقلابی سعی دارد دبه بهانه جنگ، آنان را با بدون "پاداش و عیدی و سود ویژه" یعنی در حقیقت با کسر بخشی دیگر از دستمزدشان به پیشواز عید بفرستد.

دهقانان نیز که از یک سو زیر بار سنگینی قروض و دیون خود به بار و مالک، بانک و ربا خوار قرار دارند، و هنوز هم در زیر یوغ ستم زمینداران و مالکین و عدم تامین حداقل شرایط زندگی بسر میبرند و بیش از پیش زیر بار گرانی و دهها فشار اقتصادی و اجتماعی دیگر قرار گرفته اند.

کسبه و پیشه وران، دستفروشان و دهقانان که با وسوئی زیر فشار سرکوب دولت و از سوی دیگر فشار سرمایه داران، محترمان و تجار دست و پا میزنند، زندگی محقرشان در معرض نابودی قرار گرفته است. کارمندان جزء ادارات و موسسات، در شرایطی بسیار سخت تر از سال قبل قرار گرفته اند تا با حقوق ناچیز و ثابت خود (البته اگر در شرایط حذف اضافه کاری، و سایر کمک هزینه ها، کاهش نیافته باشد) با زندگی بسیار دشوار روبرو هستند. و با لایحه مصیبت بار تر از همه شرایط زندگی نزدیک به دو میلیون آواره جنگی ست که در اثر سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی دولت ایران و عراق در بدر شهرها شده و در نهایت فقر و مسکنت از حداقل غذا و پوشاک و بهداشت و سرپناه محروم اند. جنگی که تاکنون هزاران کشته و زخمی بیار آورده است و در آستانه سال نو، صد ها خانواده را در سوک فرزندان خسود نشانده است، جنگی که تمام زندگی و هستی بخشی از زحمتکشان میهن ما را در زیر تلی از خاک مدفون کرده و هزینه کمر شکن آن بدوش توده ها افتاده است. و این همه مصیبت و بدبختی برای توده های زحمتکش میهن ما شمره وار مغفان نظام سرمایه داری و دولت حامی سرمایه داران است. دولتی که بجای پاسخگوئی بحداقل خواستهای زحمتکشان، به سرکوب، شکجه کشتار، ترور، اختناق و زندان متوسل شده است، دولتی که هم اکنون صدها تن از فرزندان خلق فدائی، مجاهدین و نیروهای انقلابی دیگر را در زندانهای خود ببندد و میگوید هر صدای برحق زحمتکشان را در گلو خفه کند.

آری، چنین است وضعیت حاکمیت سرمایه داری و زندگی زحمتکشان در آستانه سال نو، و چنین است که توده های ستمدیده، محروم و مبارز میهن ما در آستانه عید با دستهای خالی از زنان و آزادی و با این همه سرشار از کینه و خشم با استقبال بهاری تازه میشتابند. بهاری که همچنان از خون دلاوران میهن، از خون رزمندگان کرد، ترک، ترکمن، عرب، بلوچ و فارس و از خون صدها انقلابی، کارگر و دهقان و روشنفکر انقلابی گلگون است.

گزارشی از معدن قلعه زری بیرجند

معدن قلعه زری در جنوب بیرجند در حاشیه کویر نموت قرار دارد. این معدن در حدود ۱۵۰۰۰ کارگر دارد. محل کار کارگران، تونل‌های طولانی میباشند که حدود ۱۷۰ متر درازا دارد و پیراز گل ولای است. تاکنون ۱۵ نفر از کارگران بر اثر تنفس ذرات گرد، خر سنگ جان خود را از دست داده‌اند. روسای ز الوصفت معدن، بجای فراهم نمودن وسایل بهداشتی و ایمنی، فقط بدادن مقدار ناچیزی شیر خشک اکتفا می‌کنند. با این شرایط کار طاقت فرسا، حداکثر دستمزد روزانه ۸۰ تومان میباشد. سرمایه داران با استثمای روحشانه معدنچیان قلعه زری، مبالغ هنگفتی سود می‌برند، ولی همیشه بدنبال شیوه‌های گوناگونی هستند که دستمزد اندک کارگران را نیز غارت کنند. در زیر به سه نمونه از این شیوه‌های ضدکارگری و مبارزه کارگران با آنها اشاره می‌کنیم:

۱- روسای کارخانه، این مزدوران - سرمایه داران، از ۱۲۰۰۰ تومان سود ویژه یک ساله در سال ۵۸ بهره‌کارگر تعلق می‌گرفت، فقط ۲۰۰۰ تومان پرداخت نمودند.

۲- اما کارگران برای آنکه بتوانند حق خود را از حقوق سرمایه داران بیرون بکشند، شورای خود را تشکیل دادند و با با فشاری و پی گیری توانستند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.

۳- از آغاز جنگ تاکنون هر ماه یک روز از حقوق کارگران را بنا کم کرده جنگ زدگان!! کسر میکنند. در مجموع ۶۰۰،۰۰۰ تومان از حقوق کارگران کم کرده‌اند. فریادهای اعتراضی معدنچیان قلعه زری بلند شده و مسمی پرسند که! این پولها به جیب چه کسانی رفته است و چرا جنگ زدگان هنوز آواره و سرگردانند؟

۴- مورد دیگر، افزایش قیمت گندم مورد نیاز کارگران بوده است، چندی پیش رئیس معدن قیمت گندم را افزایش داد. او در مقابل خواست برحق کارگران مبنی بر کاهش قیمت گندم ایستاد. کارگران که وضع را چنین دیدند مدیسه زدکارگر را بشدت کتک زدند، بطوریکه سرش ۸ بخیه خورد. سرانجام رئیس مزدور کارخانه در مقابل میسر رزات کارگران عقب نشینی کرده و قیمت گندم را از ۲۲ ریال به ۱۰ ریال کاهش داد.

معدنچیان قلعه زری همانند دیگر کارگران معدن در بدترین شرایط کار میکنند. در اثر تنفس گرد و غبار معدن در معرض بیماریهای خطرناک ریه ... قرار دارند. همیشه مرگ زودرس در انتظارشان میباشد. کارگران بخاطر حرص و ولع سرمایه داران از هیچگونه امکانات بهداشتی و ایمنی برخوردار



جنبش کارگری

نیستند. آنان طی مبارزات پیگیر خود به این واقعیت پی برده‌اند که تنها با اتحاد و تشکل در شورای واقعی خود می‌توانند حقوق خود را از سرمایه داران بگیرند.

پیروزی کارگران

کارخانه نیتینگ

کارگران شیفت کار کارخانه نیتینگ واقع در شهر صنعتی البرز برای دریافت حق شیفت مورد نظر خود پس از مبارزه پیگیر و تهدید به خواباندن کار به پیروزی رسیدند.

در پی موفقیت کارگران بخش بسته بندی در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ که توانستند ۵٪ حق شیفت مورد نظر خود را در ازای دو شیفت کار دریافت نمایند، کارگران سه شیفتی نیز خواهان اضافه کردن حق شیفت خود شدند. آنها با اعتراض به کم بودن ۱۰٪ خواهان افزایش آن به

۱۵٪ بودند. این مسئله را با شورای کارخانه مطرح میکنند. شورا برای رسیدگی به این مسئله تا چهارشنبه فرصت میخواهد. روز چهارشنبه هیچ خبری نمیشود. در مقابل اعتراض کارگران شورا یک روز دیگر نیز مهلت میخواهد. اما روز پنجشنبه هم خبری نمیشود. کارگران که از این مسئله به خشم آمده بودند اعلام میکنند از روز شنبه در شیفت شب کار نخواهند کرد.

روز شنبه همه کارگران با روحیه‌ای قوی سرکار حاضر شدند. یکی از کارگران می‌گفت: "اگر اینبار هم شکست بخوریم

دیگر روی ما حساب نمی‌کنند هر طور شده باید ایستادگی کرد. ما پیروز می‌شویم این را تا ریحما آموخته‌است. با لایحه پس از درگیریهای مختصر و صحبت‌های مختلف در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر شورا اعلام میکند مدیریت با خواست شما موافقت کرد. کارگران که پی برده بودند سرمایه داران و عوامل آنها تنها از یورش متحده کارگران مجبور به عقب نشینی میشوند پیروز و سرفراز کارخانه را ترک کردند و در بین راه به یکدیگر تبریک می‌گفتند.

کارگران مبارز نیتینگ یکبار دیگر نشان دادند که چگونه عوامل رژیم جمهوری اسلامی درون کارخانجات را که برای حفظ نظام سرمایه داری با تمام قوا میکوشند، با بدیه عقب رانند. اتحاد و مبارزه متشکل کارگران سربیسروزی است. بکوشیم تا با ایجاد، تقویت و انقلابی کردن شوراها مبارزه را هر چه بیشتر به پیش ببریم.

اخباری از شهردگان

جنگ دست آویزی برای استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان

شهرداری شادگان حدود ۲۵ تن از کارگران شهرداری آبادان و خرمشهر را جهت نظافت خیابانها، فاضل آنها، بردن زباله‌ها و... بطور موقت بکار گمارده است. این کارگران همگی از زحمتکشان عرب هستند. اکثر آنان در چا در در وضعیت بسیار سختی زندگی میکنند و از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم‌اند. برخی از کارگران در روستا زندگی میکنند و برای رسیدن به محل کارشان ناچارند ساعت ۵ صبح از خانه خارج شوند. پس از کار سخت روزانه یا یک در صاف های مختلف برای گرفتن نان و نفت و... بایستند. بخاطر مزد ناچیزی که دارند، در ازای برخی مواد غذایی چون برنج که با سهم جنگ زدگان تقسیم میشود از آنان پول میگیرند. کارگران با حقوق ناچیزشان قادر به تامین خود و خانواده‌شان نیستند. کارگری می‌گفت: "روغن و شکر و تاید و... کم شده و تا جرها همه اش رو قایم کردن تا اگر آنتر بفروشد، شکر کیلوئی ۱۵ تومان، روغن کیلوئی ۱۵۰ تومان و همینطور با لامیرود، اینها همه اش به نفع مقامات و گردن کلفتهاست. فقط بدبختی برای ما کارگران میماند." حال باید از رژیم جمهوری اسلامی پرسید پول و وسائلی که با سهم جنگ زدگان جمع میشود، و یکروز حقوق کارگران که در اکثر کارخانجات کسر شده است بکجا میرود؟! * * * *

گروه ۲۲۵ طرح گسترش مسد - سول / ساختن دوسالین برای تربیت بدنی بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

سرکوب خونین کارگران

بقیه از صفحه ۱

علیه دونفر از مدیران جدید که یکی به سمت مدیر تولید و دیگری به سمت رئیس کارگری انتخاب شده بودند آغاز شد. کارگران به انتخاب این دونفر اعتراض داشتند. زیرا کارگران به ما هیت ضد کارگری این افراد پی برده بودند مدیرعامل گروه آذری "کام خوش" یکی از مدیران مکتبی است که اینک جایگزین مدیران لیبرال قبلی گروه شده اند و دستور می دهد که سایر شرکت های گروه از خرید و فروش با شرکت چرم رخشان خودداری کنند. او با اصلاح شرکت چرم رخشان را "محاصره اقتصادی می کند". اما سایر شرکتها از جمله شرکت یونا تید تحت رهبری شورا به خرید و فروش با شرکت چرم رخشان ادامه می دهد بدین ترتیب اتحادشوراها مدیرعامل را ناکام گذاشت. او دستور قطع پرداخت حقوق ماها نه کارگران را صادر کرد اما مبارزات متحد و یکپارچه کارگران با هدایت شوراها مدیرعامل را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران در ادامه مبارزات خودخواهان پرداخت سود ویژه وعیدی و پاداش بودند.

ادامه مبارزات کارگران و سرکوب خونین رژیم جمهوری اسلامی

شورای مرکزی گروه ۲ ماهه ۲۰ روز سود ویژه را برای کلیه کارگران تصویب کرده بود. کارگران تمام شرکتها خواهان پرداخت سود ویژه به میزان ۲ ماهه و ۲۰ روز بدون لغو مزایا و... بودند. کارگران چرم رخشان در ادامه مبارزات خود، نمایندگان شورا را جهت مذاکره نزد مدیرعامل می فرستادند. مدیرعامل گروه حاضر به پرداخت یکماه حقوق بدون

هیچگونه پاداش و مزایا می شود. کارگران از تصمیم هیئت مدیره به خشم آمده با مدیرعامل درگیری می شوند. در پی این جریان ۲ نفر از نمایندگان شورا دستگیر می شوند. سایر نمایندگان شورا مرکزی از نمایندگان زندانی حمایت می کنند. بدستور هیئت مدیره ۲ نفر دیگر از نمایندگان شورا دستگیر می گردند. مبارزات کارگران با شرکتها به شکل اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید آغاز می شود.

حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران در محوطه کارخانه دست به راهپیمایی می زنند. آنها خواهان آزادی نمایندگان زندانی خود می شوند. کارگران سپس با جلوگیری از خروج ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره دست به تحصن می زنند. نیمه شب چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ پاداران سرمایه با محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور به داخل سالن تجمع کارگران، قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران متحداً مقاومت می کنند. پاداران سپس متوسل به تیراندازی به سوی کارگران می گردند. ضرب و شتم کارگران آغاز می شود. در این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای دیگر نیز دستگیر می شوند. از روز شنبه ۵۹/۱۲/۱۶ این حمله وحشیانه پاداران برخاسته. مبارزات کارگران بشکل اعتصاب، جلوگیری از خروج تولید و کم کاری ادامه داشت. روز دوشنبه کارگران موفق می شوند بخشی از سود ویژه را از چنگ مدیران و دولت حاکم آنها در آورند. اما کارگران به مبارزات خودتاهائی نمایندگان زندانی ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی می پندارد که با دستگیری چند نماینده و سرکوب کارگران قادر خواهد بود مغفمتحد کارگران را درهم شکنند. اما غافل از اینکه کارگران کفش ملی دارای سابق درخشانسی در مبارزات کارگری هستند. آنها حتی

در سالهای سیاه دیکتاتور شاه، به ویژه در سالهای ۵۰ و ۵۲ اعتصابات گسترده ای داشتند. اعتصاب سال ۵۰ نزدیک به دو ماه طول کشید و اعتصاب سال ۵۳ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. اما همین کارگران بودند که رژیم منقریب پهلوی را به زیاده دانی تا ریخ فرستادند. سرکوب خونین کارگران کفش ملی در روز چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ خاطره سرکوب وحشیانه رژیم را در ذهن کارگران زنده می کند.

آنها اینک شاهد ورشکستگی و سیاسی اعتباری سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیمی که در رویا رویی بسا توده ها بیدار شده کارگران چاره ای جز سرکوب نمی بینند. اما اگر رژیم منقریب شاه نتوانست با سرکوب کارگران پایدار بماند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست. کارگران مبارز کفش ملی اینک با یدبالاتحاد یکپارچه خود مبارزه را برای آزادی نمایندگان زندانی به پیش برند. آنها با یدباحتفظ و تقویت شویهای خویش در تقویت شورای مرکزی گروه بکوشند، تا بتوانند با هدایت تشکل های انقلابی خویش نمایندگان خود را از زندان رژیم جمهوری اسلامی آزاد سازند.

جنگ دستاویزی برای...

بقیه از صفحه ۳

شادگان میباشد. این گروه ۳۰ کارگر استخدا کرده است که اکثر آنان روستائی جنگ زده و با دانش آموزند، و به از ۸ ساعت کار روزانه ۸۰ تومان حقوق میگیرند. در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ مهندس غفوری پیمانکار گروه از کارگران می خواهد که بدلیل شرایط جنگی روزی دوتا سه ساعت اضافه کار کنند. کارگران میگویند: "ما اکثر روستائی هستیم و نمیتوانیم با زده ساعت کار کنیم، بهتر است برای سرعت کار و کارگران بیشتری استخدا مکنید." و حاضر به اضافه کاری نمیشوند. مشا جره بین آنان و پیمانکار بالامیگیرد، مهندس غفوری میگوید: "کارگران زده و بیچاره آنقدر زیاد است که اگر قبول نکنید، از آنها بجای شما استخدا میکنیم." و حکم اخراج پانزده تن از کارگران معترض را میدهد. کارگران که اعتراضشان را به شدت میدانستند از او به فرمانداری شهر شکایت میکنند. فرماندار ضمن حمایت از غفوری میگوید: "ما در حال جنگ هستیم و کسی حق کار شکنی ندارد." و به کارفرما پیشنهاد میکند که بجای پانزده تن کارگران خارجی، کارگران دیگری استخدا کند. پیمانکار که از حمایت فرماندار شهر بر خوردار میشود با کمال بیشرمی با چاقو به کارگران حمله ور میشود. کارگران در جریان این قضیه یکبار دیگر پی بردند که آرگانهای دولتی حافظ منافع سرمایه داران هستند نه کارگران. آنها بی می برنند که جنگ وسیله ایست که سرمایه داران دولت حامی آنان برای استخمار بیشتر و سرکوب کارگران از آن استفاده میکنند.

دیروز سرکوب زحمتکشان شرکت واحد امروز سرکوب خونین کارگران کفش ملی

کارگران و زحمتکشان مبارز

کارگران کفش ملی در روز ۵۹/۱۲/۱۳ در اعتراض به دستگیری عده ای از نمایندگان شورا و تقدار وعیدی و پاداش دست به تحصن میزنند، نیمه های شب پاداران سرمایه با محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی تجمع کارگران را بخون میکشند. آنها با ضرب و شتم وحشیانه کارگران عده ای را مجروح و تعدادی را نیز دستگیر میکنند.

در شرایطی که فشار ناشی از گرانی، کمبود، بیکاری و... کمربند کارگران و زحمتکشان را خیم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خونین کارگران کفش ملی، یکبار دیگر حمایت بیدریغ خود را از سرمایه داران نشان داد.

با تمام قوا به مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم برخاسته و متحد و متشکل مبارزه را برای کسب حقوق خود را گسترش دهیم.

پرتوان باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۵۹/۱۲/۱۷



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

تبریز

کارگران پیشرو تبریز در رابطه با مسئله اخراجیها دومین اعلامیه خود را با عنوان "مسئله اخراجیها و موضع ما" منتشر نموده‌اند. در این اعلامیه ضمن اشاره به اخراج کارگران انقلابی و بازگرداندن عده‌ای از آنان به همت خود، کارگران، ره نموده‌های زیرارائه داده‌اند:

- ۱- با آگاهی به این مسئله که بدون خواست توده‌های کارگر با زکشت اخراجیون انقلابی غیرممکن است باید بیکیرانه برای بازکشت بقیه اخراجیهای انقلابی تلاش نماییم.
- ۲- باید از سیاستهای ضدکارگری حاکمیت که یکی از آنهاست بازگرداندن ساواکیها و افراد ضد کارگر است جلوگیری نماییم.
- ۳- حقوق تمام ایام تعلقی کارگران انقلابی به همگی آنان اعم از آنهایی که به کارخانه بازگشته‌اند و یا با زهم از بازکشت آنها به کارخانه جلوگیری میشود، باید پرداخت گردد.
- ۴- ساواکیها و مدیران عاملو... کدسالها، علاوه بر حقوق و مزایای ریادی که میگردانند، پاداشها و رشوه‌های کلانی برای اعمال ضد کارگری خود گرفته‌اند، نباید حقوقی برای ایام تعلق دریافت کنند.
- ۵- کارگران انقلابی که به کارخانه نجات دیگر منتقل شده و یا به عبارت ساده‌تر تبعید شده‌اند، باید به کارخانه نجاتی که قبلاً از ایام تعلق در آن کار میکرده‌اند بازگردانده شوند.
- ۶- هیئت نخبه نظر در امریای کاری به آن عده‌ای که هنوز از ورود آنها به کارخانه نجات معاف میگردند است که تا اواخر فروردین ماه سال ه‌خانه‌های سازمانی مسکونی را تخلیه کنند، ما باید در مقابل این

خواست ضدکارگری مقاومت کرده و نگذاریم که انقلابیون اخراجی را از خانه‌های سازمانی بیرون کنند. ما ضمن محکوم کردن این عمل خواهان تخلیه خانه‌های سازمانی از ساواکیها و افراد ضدکارگر و آن عده که دارای خانه شخصی میباشند هستیم.

اصفهان

کارگران پیشرو ذوب آهن در اعلامیه‌ای تحت عنوان "توراهای واقعی سنکرز حمتکشان، شورایی شورا شده شعار غارتگران" ضمن برشمردن سخنان ضدشورائی بنی‌مدر، احمدزاده (وزیر مشا و روسریرست صنایع فولاد)، مدیریت و اتحادیه، انجمنهای اسلامی که همه از غیرقانونی بودن شورا حرف میزنند، مینویسد: "ما میگوئیم: شوراها بیان اتحاد عمل و همبستگی کارگران بر علیه سرمایه دارانند. چون شوراها واقعی سنکرز کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنانند، پس قانونینند. فقط آن قانونی مقدس است که حامی منافع کارگران و زحمتکشان باشد." و در پایان اعلامیه آمده است: "بکوشیم با طرد عناصر زشکار و عوامل وابسته به مدیریت و اتحادیه انجمنهای اسلامی نمایندگان واقعی خود را انتخاب و شوراهای واقعی خود را برپا نماییم."

اراک

کارگران هوادار سازمان تراکتی مینویسند: "سودویژه عیدی و پاداش هدیه حاکمیت نیست، قسمتی از دزدی سالیانه سرمایه داران از دستمزد کارگران است

هر چه زودتر پرداخت باید گردد.

این کارگران در رابطه با تعیین سودویژه توسط شوراها در تراکتی دیگری نوشته‌اند: "تنها تشکلهای واقعی کارخانه‌ها حق دارند مبلغ سودویژه را تعیین کنند. دولت باید! بر اساس تصمیم این نمایندگان واقعی، سودویژه را در کوتاهترین مدت پرداخت کند."

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع خیرنا مه شماره ۹ خود را منتشر کرده‌اند. در خیری از مهماتسازی آمده است: "عین از مستشاران آلمانی به بهانه تکمیل طرحهای نیمه تمام دوهفته قبل به کارخانه نجات مهما تسلیحاتی آمده‌اند. احتمالاً ۴ نفر دیگر نیز بزودی به این عده می‌پیوندند. سرپرستی مستشاران آلمانی را شخصی بنام "مرتل" بعهده دارد. وی در زمان شاه خائن نیز سرپرست مستشاران آلمانی مهما سازی بود."

"پیروزی در مبارزه است" نام اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو با فکار منتشر کرده‌اند. در این اعلامیه پس از شرح مبارزاتشان که طی آن توانسته‌اند دو ماه سودویژه را زودتر از موعد بگیرند، مینویسند: "اما ما میدانیم که نه لطف مدیر عامل و نه فعالیت شورای سازشکار بلکینه مبارزه کارگران در این کارخانه و سایر کارخانه نجات موجب شده که مسأله سودویژه پرداخت شود. تنها زود کارخانه نجات که کارگران مبارز پیشرو کردند و شوراهای واقعی خود را داشته‌اند، سودویژه‌ای معادل سه ماه و یک هفته تا چهار ماه دریافت کرده‌اند. مثلاً در کارخانه‌های سیمانری، سیمان تهران، کارخانه نجات صنعتی بونان، پارس الکتریک، فیلور و تعدادی دیگر از کارخانه نجات بالاسرازه ماه بوده است." و در پایان می‌فرمایند: "پس بکوشیم: با وجود آوردن شورای واقعی که از منافع ما حمایت کند از حقوق خود در مقابل مدیران و سرمایه داران دفاع کنیم."

کارگران پیشرو شوکو ماریس در قسمتی از اعلامیه خود با عنوان "سودویژه که قسمتی از دستمزد است پرداخت باید کرد" گفته‌اند: "هنر روز که میگذرد روشن میشود که دولت جمهوری اسلامی از منافع سرمایه داران دفاع میکند. ما تنها با مبارزه و اتحاد یکپارچه خود میتوانیم دولت سرمایه داران را بزبان خود درآوریم." و در بخش دیگری مینویسند: "نمایند شورا در مجمع عمومی گذشته اعتراف کرد که سودا سال از سودهریک از سالهای ۵۶-۵۷-۵۸ بیشتر بود. بقیه در صفحه ۶

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



از کلیه کارگران ایران میخواهیم که همچون خبرنگاران کارگری در نامه های خود حتی جزئی ترین مسائل و مشکلات مبارزاتی از جمله شکل گیری شوراها و برکزاری مجمع های عمودی و ... علاوه خواستها، نظریات و احساسات کارگران در مورد مسائل کونا کونا جامعه و کارخانه، همچنین ستم ها نیکه به آنها روا می شود را برای ما بفرستند. برای ما بنویسند که کارگران چگونه در برخورد با مسائل کونا کونی به ماهیت دشمنان نشان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می پیوندند. بهمراه اینها مسلماً توضیح مسواری زبردان نامه های شما از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا خصوصی - نام صاحب کارخانه یا مدیر.

۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن - تعداد کارگران مردوزن.

۳- وضع شورا و انجمن اسلامی کارخانه اگر وجود دارد... و مختصری از حرکت گذشته آنها تا امروز.

رفیق کارگری نامه ای خطاب به "اکثریت" نوشته و خواستار درج آن در "کار" گردیده است. در این نامه ضمن افشای خیانت آنها به گذشته پر افتخار "رزمندگان و خونین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و اینکه اکنون همان راه حزب توده، خائن و سازشکار" را پیش گرفته اند، "راهی که فدایی خلق در مبارزه با آنها بی وجود آمد"، به سیاستهای کارگری آنها نیز برخورد شده است. رفیق کارگران که با پیوست و گوشت خود شعار ضد کارگری "افزایش تولید شعار کارگران، اخلاص در تولید شعار سرمایه داران" "اکثریت" را درک میکند، آنرا خدمت بزرگی به سرمایه داران دانسته است. ضمن درج قسمتی از این نامه لازم است اضافه کنیم که تنها اخبار مبارزاتی کارگران، مندرج در نشریه کار نیز نشان میدهد که چگونه این شعار مورد اعتراض بخش عظیمی از کارگران قرار گرفته و آنها خود بیشتر از هر کسی تشخیص داده اند که این شعار علیه منافع آنان و شعار سرمایه داران است. رفیق کارگر در قسمتی از نامه خود چنین می نویسد:

اصلاً من یک کارگر می گویم شما نمی دانید فدائی یعنی چه فدائی یعنی با مردم زحمتکش یکی بودن، توغم و بدبختی با ایشان شریک بودن فدائی یعنی به توده درس دادن بخاطر پیاده دادن و بهتر زیستن و از قید بندگی رها

شدن. اما من چونم و هستم را برای سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق می دهم و در این راه فدای فدائی خلق می شوم و سوگند یاد می کنم که راه فدائی همیشه پایدار راه فدائی همیشه زنده و راه فدائی همیشه پیروز است و شما که خودتان را رهبر سازمان فدائی خلق اکثریت جا زدید با این شعارتان که کار بیشتر شعار کارگران و کار کمتر شعار سرمایه داران. آقای اکثریت کدام سرمایه دار بیشتر دلتش برای کارگر سوخت گفت بیا همان مزد را بگیر کمتر کار کن شما با این شعارتان امتیاز بزرگی به سرمایه داران دادید و جیب گشادشان را پر می کنید ●

اصلاً
یک کارگر می گویم شما نمی دانید فدائی یعنی چه فدائی یعنی با مردم زحمتکش یکی بودن. توغم و بدبختی با ایشان شریک بودن، فدائی یعنی با مردم در بند بودن و در بند بودن یعنی رهبری و پیروی از مردم و هستم را برای سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق می دهم و در این راه فدای فدائی خلق می شوم و سوگند یاد می کنم که راه فدائی همیشه پایدار راه فدائی همیشه زنده و راه فدائی همیشه پیروز است و شما که خودتان را رهبر سازمان فدائی خلق اکثریت جا زدید با این شعارتان که کار بیشتر شعار کارگران و کار کمتر شعار سرمایه داران. آقای اکثریت کدام سرمایه دار بیشتر دلتش برای کارگر سوخت گفت بیا همان مزد را بگیر کمتر کار کن شما با این شعارتان امتیاز بزرگی به سرمایه داران دادید و جیب گشادشان را پر می کنید ●

از اعلامیه ها ... بقیه از صفحه ۵

است. یعنی با یک حساب ساده بنظر میرسد امسال با یستی سود بیشتری بگیریم. در حالیکه سال گذشته سه ماه سود و یک ماه عیدی گرفتیم، امسال سود و عیدی را به دو ماه کاهش داده اند.

"دوماه پاداش و عیدی که قسمتی از دستمزد ما است، پرداخت باید کرد." کارگران پیشرو شهرک اکیاتان در اعلامیه ای با این نام خطاب به "دوستان کارگر" خود مینویسند: "در این شرایط کدام یک از ما که از شهر و ده خود دیدنیال کار آواره شده و در بدترین وضعیت زندگی در بلوک های جوی و سیمانی دور از زن و بچه خود زندگی میکنیم، میتوانیم با این حقوق ناچیز زندگی خود را خوار کرده ایم را با من کنیم. و در ادامه با اشاره به اینکه پاداش جزئی از حقوق کارگران است، میگویند: "حال حکومت است که دولت جمهوری اسلامی که این نام با نام نابوق و کرنا سنگ مستضعفین را به سینه میزند، در کارخانه سود ویژه را قطع کرده و در شهرک های ساختمانی نظیر اکیاتان

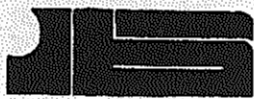
میخواهد همان شندرغا زمان شاه را بعنوان پاداش بمانده دهد. و در پایان می افزایند: "دوماه پاداش و عیدی حق مسلم ما کارگران است"

قزوين

کارگران پیشرو قزوین در این ماه دوا اعلامیه در رابطه با مسئله سود ویژه منتشر نموده اند. در یکی از آنها تحت عنوان "لغو سود ویژه: شعارت دستمزد کارگران توسط سرمایه داران ورژیم جمهوری اسلامی" آمده است: "هر ساله ۸۰۰ هزار کارگر حدود ۴/۵ ماه از دستمزد سالانه خود را تحت عنوان سود ویژه و عیدی از سرمایه داران می گرفتند. اما امسال طبق تصویب شورای انقلاب سود ویژه لغو و بجای آن دوماه عیدی به کارگران تعلق میگیرد که این رقم نسبت به ۴/۵ ماه سود ویژه ۲/۵ ماه کم شده است. اکثر حقوق متوسط هر کارگر را سه هزار تومان در ماه در نظر بگیریم، بطور متوسط هر کارگر در سال ۷۵۰۰ تومان دستمزد کسر گردیده که برای ۸۰۰ هزار کارگر پولی برابر با ۶ میلیارد تومان میشود در واقع این یورش رژیم محمدری اسلامی به زندگی ما زحمتکشان تنها

ماهیت سرمایه داری و عوام فریبی او را نسبت به حمایت از با اصطلاح "مستضعفین" نشان میدهد. کارگران پیشرو قزوین در اعلامیه دیگر خود بنام "سود ویژه چیست و چرا دولت جمهوری اسلامی آنرا لغو کرد؟" ضمن توضیح و افشای ماهیت قانون سود ویژه گفته اند: "هسته ما شاهد بودیم که دولت سرمایه داری شاه برای تشدید استثمار کارگران بجای افزایش دستمزد، قانون سود ویژه را بصورتی که خود می خواست به اجرا گذاشت و امروز شاهدیم که دولت جمهوری اسلامی سرمایه داری بدروش - دیگری متوسل شده و برای کسب رضایت سرمایه داران و به منظور مقابله با کسری بودجه کفالتی از نظام سرمایه داریست و با شروع جنگ افزایش یافته، به حقوق ناچیز ما یورش می آورد و بدینسان "حرام" و "طاغوتی" بودن سود ویژه، محاصره اقتصادی، جنگ و هزاران نهادند دیگر از دادن حقوق ما جلوگیری می کند." سپس می افزایند: "تا بد متحد سویم و از طریق تفاهت کسان واقعی خود سود ویژه را کد قسمتی از دستمزد ما است دریافت کنیم ●"

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



مبارزات کارگران جهت کسب سود ویژه اوجی نوین در مبارزات طبقه کارگر ایران

بحران حاکم بر جامعه روز بروز شدید تر می شود، جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق نیز این بحران را دامین میزند. رژیم جمهوری اسلامی که حامی منافع سرمایه داران و زمینداران است سعی می کند با رایین بحران را هر چه بیشتر بدوش کارگران و زحمتکشان بیندازد. بهمین دلیل است که توده ها روز بروز بیشتر تحت فشار کمربند زندگی قرار می گیرند. گرانی و تورم پیدا می کند. دستمزدها چیز زحمتکشان دیگر حتی کفاف حداقل زندگی آنها را نمی کند. در این شرایط، توده ها هم کارگران و زحمتکشان نسبت به حاکمیت بسیار سرپیتر از قبل فرو می ریزد. کارگران اینک در مقابل بیورش روز افزون سرمایه داران به حقوق اولیه خود، مبارزات خود را روز بروز عمق و وسعت می بخشند آنها در این راه از تجربیات گرانبهای که از قیام تا کنون آموخته اند بیشترین استفاده را می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که مبارزات او جگر کشته کارگران را روبروست چون دیگر عوامل مفریبی های خود را بسی اثر تر می بیند سیاست سرکوب خود را شدت بخشیده است. سرکوب کارگران شرکت واحد و سرکوب خونین کارگران کفش ملی با ردیگر حمایت بیدریغ رژیم از سرمایه داران را نشان داد و چهره کریه و سرکوبگر حاکمیت را بیش از پیش برای کارگران روشن نمود. اما نه عوامل مفریبی و نه سرکوب هیچکدام قادر نیست جلورشده مبارزات کارگران قهرمانان ایران را بگیرد. اینک بیش از دو ماه است که موج اعتراضات و اعتصابات وسیعی بر راه افتاده است که محور عمده این مبارزات کارگران کسب سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. نمونه های بسیاری از مبارزه پیگیر کارگران در جهت دستیابی به این خواسته های برحق در دست است.

اعتصابات در کارخانجات رنسو، پارس متال، ایران الکتریک، جم... نمونه هایی از این مبارزات گسترده برای سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. در کارخانه رنوا ز روز شنبه ۱۶/۱۲ - کارگران بمدت دوازده روز دست از کار کشیدند. آنها در مقابل قول مدیرعامل مبنی بر پرداخت سود ویژه تا چهارشنبه بسرکارها زگشتند، روز چهارشنبه مدیرعامل از پرداخت سود خودداری میکند. کارگران دوازده روز دست به کم کاری زده و تولید کارخانه را از ۶۰ دستگاه به ۲۰ دستگاه میرسانند. مبارزه با لایحه مدیر را به عقب نشینی وادار ساخته و کارگران موفق به دریافت دو ماه سود ویژه میگردند.

در کارخانه پارس متال روز چهارشنبه ۱۲/۳ کارگران بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده خویش بمدت یکساعت ونیم دست به اعتصاب میزنند. آنان در همان روز موفق به دریافت حقوق میشوند. در ادامه مبارزه روز شنبه ۱۶/۱۲ برای عیدی و پاداش مجددا بمدت دوساعت

اعتصاب میکنند. مدیرعامل قول میدهد که تا دوشنبه خواست کارگران را بر آورده کند. کارگران همچنان مصمم هستند تا رسیدن به خواست برحقشان به مبارزه ادامه دهند.

در کارخانه ایران الکتریک نیز کارگران برای سود ویژه دوازده روز اعتصاب می نمایند. آنان در مقابل توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی تا کنون یکپارچه ایستادگی نموده اند. آنها مبارزه را پیگیر تا رسیدن به حقوق خود ادامه می دهند.

در کارخانه جم روز چهارشنبه ۱۳/۱۲ کارگران یکروز دست به اعتصاب میزنند آنها برای بدست آوردن سود ویژه نما یندگان به وزارت کار می فرستند. وزارت کار به آنها جواب سر بالا داده و کارگران با ردیگر دفاع وزارت کار را از سرمایه داران به عینه می بینند. آنها عمل مستقیم و انقلابی خویش را یگانگانه راه رسیدن به خواسته هایشان دانسته و به مبارزه ادامه می دهند.

در کارخانه باطری سازی کارگران در ادامه مبارزاتشان و پس از بی جواب گذاشتن خواسته هایشان، به اقدام انقلابی روی آورده و جلوی خروج تولید را میگیرند. آنها موفق میگردند به بخشی از سود ویژه مورد درخواست خود دست یابند.

در کارخانجات تبریز از جمله ماشین سازی، لیفت تراک و کمپیدور نیز کارگران خواهان سود ویژه و عیدی و پاداش میباشند. کارگران فبازر کمپیدور در اعتراض به سود ویژه و طرح طبقه بندی و با شعار "سود ویژه پرداخت با یگردد" دست به اعتصاب میزنند. مبارزه آنان همچنان ادامه دارد.

کارگران مبارز ماشین سازی نیز به میزان سود ویژه معترض میباشند. آنها به نقش و اهمیت شوراها پی برده اند. کارگران میگویند: شورا انقلابی ما در سال گذشته مدیریت را وادار کرده بود که حداقل به هر کارگر ۱۱ هزار تومان پرداخت کند. آنان مبارزاتشان را برای کسب خواسته هایشان ادامه می دهند. مبارزات و اعتراضات در سایر کارخانجات نیز همچنان ادامه دارد.

از جمله کارگران در کارخانه آردل، د اوپخش و داروگر کارگران به میزان سود پرداختی معترض هستند. آنها ضمن مبارزات خویش به ضرورت تشکیل شورا و نقش آن در تامین منافعشان پی برده اند.

کارگران برق، توانیر و شهسوارک اکباتان نیز خواهان دو ماه عیدی و پاداش هستند. کارگران قسمت نوسازی و نقلیه برق مرکزی دست به اعتصاب یکروزه میزنند. مبارزات کارگران هنوز ادامه دارد.

در کارخانه چیت تهران (بافکار) کارگران خواهان سود ویژه بودند. پس از مدتی که از سود خیری نمیشد زمزمه اعتصاب بالا گرفته و کارگران به شعار نویسی در این رابطه میپردازند آنها از تجارب اعتصابات قبلی بسا یکدیگر صحبت میکنند. مدیرعامل در مقابل کارگران وحشت زده عقب نشینی کرده و دو ماه سود ویژه به کارگران پرداخت میشود.

مبارزات کارگران ارج و پارس الکتریک در ادامه خود منجر به عقب نشینی مدیران میگردد. آنها دو ماه دیگر نیز سود ویژه حق مسلم خویش را دریافت میدارند.

در کارخانجات بوتان و سیمان کارگران با هدایت شوراها و مبارزه پیگیر خود موفق میگردند بیش از سه ماه سود ویژه از جنگ سرمایه داران بیرون کشند. این پیروزی نتیجه مبارزه متحدانه کارگران و تشکیل آنان در شوراها ییشان است.

مبارزات گسترده کارگران فیلیور و پلدستی را نیز سرمایه داران را به زانو در آورده و آنها بیش از چهار ماه سود ویژه را از حلقوم سرمایه داران در می آورند. کارگران مبارز فیلیور با جلوگیری از خروج تولید بمدت ۴ روز مبارزه متحد، پیروز مند و پر شکوهی را بنمایش میگذارند.

این مبارزات برای کارگران تجارب گرانقدری بهمراه دارد. آنها در این مبارزات آبدیده میشوند. فرا میگیرند که ستم سرمایه داری چیست و با چه وسایلی میتوان با آن مبارزه کرد. آنان هر چه بیشتر می فهمند که رژیم جمهوری اسلامی پاسدار منافع سرمایه داران است. کارگران درمی یابند که تنها راه بهبود شرایط زندگیشان را باید در عمل مستقیم و انقلابی خود جستجو کنند. آنها هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد، یکپارچگی و تشکیل در شورا های انقلابی برای پیشبرد مبارزه انقلابی خویش آشنا میگردند. مبارزات آنان منجر به توسعه حس اتحاد و همبستگی بین طبقه کارگر خواهد گردید. کارگران قهرمان در مبارزات اخیر خود اشکال نویسی از وحدت و یکپارچگی پرولتاریا را به نمایش نهادند. و میتوان گفت طبقه های مبارزات یکپارچه و سراسری طبقه کارگر ایران بیش از پیش آشکار گشته است.

سود ویژه که قسمتی از دستمرد کارگران است پرداخت باید گردد

فنگران تهران میگویند: بساط تعاونی اعتبار باید به نفع تعاونی مصرف برچیده شود

درست کردن تعاونی اعتبار در واقع اقدامی بود در جهت کوتاهی کردن دست کارگران و نمایندگان آنها از تعاونی مصرف، چرا که کارگران پس از مبارزات زیاد موفق شده بودند تعاونی مصرف را تشکیل داده و توسط نمایندگان خود آنرا اداره کنند و اجناس را با تخفیف و استله ها و دلالان و سودجویان با نازلترین قیمت بدست کارگران برسانند اما تبدیل تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار کارگران را از دست یابی به مواد مورد نیاز خود با قیمتی به مراتب ارزانتر از قیمت های معمول بازار محروم کرد، تعاونی را کنترل آنها خارج نمود و دست دزدان و سرمایه داران را در چپاول دسترنج کارگران این صنعت بازگذاشت. شورای کارکنان دایره ابزار دقیق پالایشگاه تهران در اطلاعیه ای که به همین منظور منتشر نموده توضیح میدهد که: "با همه تلاشی که بعمل آمد شرکت نفت در آن موقع با انتقال سهام پنج هزار ریالی کارگران از تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار عملاً دست کارگران و نمایندگان آنان را از این تعاونی کوتاه کرد و افراد رذل و خائن هم چون "ملک نیا" و "فتوت" را در رأس تعاونی مصرف گمارد که با چپاول بیستی از حدهر کدام میلیونها تومان بچیب زدند. اکنون همانطور که در آخر اطلاعیه این شورا نیز آمده است کارگران خواهان انتقال سهام خود از تعاونی اعتبار به تعاونی مصرف هستند تا بتوانند با انتخاب هیات مدیره تعاونی، از حداکثر امکانات تعاونی استفاده نمایند.

لازم به تذکر است که: تعاونی مصرف از ابتدا با کمک مالی خود کارگران تشکیل شد و خود نیز آنرا اداره میکردند و اجناس دست اول با قیمت نازل تهیه و مورد استفاده قرار میدادند. بعد از مدتها که تعاونی مصرف دارای نفعات بیشتری شد و کارگران میتوانند از آن بهرتر استفاده نمایند، اولیای امور شرکت نفت که افرادی دزد و بیست بودند به فکر افتادند که چگونه این تعاونی مصرف را از دست کارگران بیرون بیاورند، و بنحوی تعاونی را اداره کنند که به سرمایه داری کمک کرده باشند. لذا طرح تعاونی اعتبار ریخته شد. آنها با دادن اعتباری تا حدود ۲۰۰۰۰ تومان به کارگران آنها را در

کدامیک از دو طرف ضدا میریالیست است؟

کارگران که خواهان شورایی یا کارگری و اداره امور کارخانه توسط شورا هستند،
دهقانان که خواهان مصادره اراضی فئودالها و زمینداران بزرگ اند،
خلق کرد که برای خود مختاری و رفع ستم ملی مبارزه میکنند،
میلیونها کارگر و زحمتکش بیکار رگه عاید بیکاری مبارزه میکنند،
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان جامعه دمکراتیک و آزادی بیان و عقیده و مطبوعات هستند،
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان مجوسیستم سرمایه داری و وابسته و در نتیجه محوگرانی، بیکاری فقر، فساد و... میباشند،
دانشجویان انقلابی که خواهان بازگشایی دانشگاهها و تبدیل آنها به سنکرواقعا آزادی هستند،
زحمتکشان که عنک را به زیان خود بیه نفع امپریالیسم و بورژوازی میدانند،
صیادان که خواهان کوتاه شدن دست صیادان بزرگ و چهار رگر، از دریاها هستند،
پرسنل انقلابی ارتش که خواهان شورایی یا از انقلابیون ارتشی هستند،
دکه داران که قربانی سیستم سرمایه داری و سیاستهای بورژوازی حاکم شده و برای گذران زندگی به دکه ای کوچک پناه برده اند،
کارگران، کارمندان، معلمین، پرسنل انقلابی ارتش... که بجزرم مبارزه علیه امپریالیسم اخراج شده اند،
زندانیان سیاسی انقلابی که به جرم دفاع از منافع خلق زندانی شده اند،
ما می کوئیم طرف اول یعنی کارگران، دهقانان، و سایر زحمتکشان و نیروهای خلق است که ضدا میریالیست هستند نه حاکمیتی که مبارزه ضدا میریالیستی نیروهای خلق را بیهانه های گوناگون سرکوب می نماید. سازشکاران که سرکوب کارگران

کارگران و زحمتکشان، یعنی بورژوازی حاکم را ضدا میریالیست معرفی می کنند زحمتکشانند.
بدون رهبری کارگران، مبارزه ضدا میریالیستی پیروز نخواهد شد.

کارگران پیشرو تبریز

منتقل شده، این دودرم ادغام شوند و تحت نظر هیات مدیره ی منتخب کارکنان اداره شود. این خواست همه کارکنان صنعت نفت در تهران است. نقل از نشریه. بیشتا شماره ۲ نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدا میریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

دهقانان باید خودشان دست بکار شوند و زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کنند

حاکمیت را در خود داشته باشد. اما نشاندن ندهنده این نیز هست که با وجودیکه دستور توقف اجرای بند "ج" توسط آیت الله خمینی صادر شده، دهقانان دست از مطالبات خود برنداشته، و قوانین "جمهوری اسلامی" را نمی‌پذیرند. اما آنچه که حاکمیت را بیشتر در فشار قرار داده، نامه نویسی دهقانان نیست. بلکه رشد جنبشهای انقلابی آنان است، که با وجود اعلام "غیرقانونی و غیرشرعی بودن" دست اندازی به مال و زمین دیگران، مصادره اراضی زمینداران بزرگ شدت بخشیده و در نقاطی نیز به تشکیل شوراهای واقعی دهقانی پرداخته - اند (گزارشات روستائی که در "کار" منتشر میشود، گوشه‌هایی از این مبارزات روبه رشد دهقانان را بازگو می‌کند).

با توقف اجرای بند "ج" عامل دیگری نیز در رشد مبارزات دهقانی، تا شيرداشته است. مالکانی که اراضی آنها توسط دهقانان مصادره شده بود، وقتی دیدند که حاکمیت بدون هیچگونه پرده پوشی و بطرزی - آشکار، از منافع آنها حمایت می‌کند، به روستاها حمله برده و با کمک ایادی خود به تصرف مجدد زمینها پرداخته‌اند. گسترش این وضعیت، و عکس العملهای تدافعی دهقانان در برابر اقدامات این زمینداران و دولت‌ها می‌آنها، بحدی بالا گرفته است، که انعکاس آنرا در روزنامه‌های رسمی کشور نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً اطلاعات تحت عنوان "با توقف بند "ج" توطئه مالکان شدت یافته است" گوشه‌هایی از این نوع دست‌اندرزایی مالکان در بجنورد اشاره می‌کند. یکی از اعضای هیات هفت نفره بجنورد که طرف مصالحه اطلاعات قرار گرفته است می‌گوید: "این مردم (روستائیان) می‌خواهد منفجر شود ما در روستا هستیم و کما ملأ در جریان قرار داریم". وی در جواب اینکه آیا توقف بند "ج" خطرناک نیست می‌گوید: "بله خطرناک است من فکر می‌کنم کل منطقه شمال خراسان بسیار حساس است چرا ترکمن نشین است مرز است حتی سپاه پاسداران را ترکمنها خلع سلاح کرده بودند که من رفتیم آنجا مسائل را تا اندازه‌ای توانستیم حل کنیم و در میان روستائیان نفوذ پیدا کنیم اگر این ساله توقف بند "ج" ادامه پیدا کند صدر در صدوباره منطقه متشنج می‌شود".

بقیه در صفحه ۱۲

کشاورزی استانها و معاونین وزارت کشاورزی می‌خوانیم که اگر "بلا تکلیفی" موجود جریان یا بدنمی‌تواند برنا مه ریزیهای اساسی کشاورزی... اقدام نمود. (جمهوری اسلامی ۲۳ بهمن) برآستی چرا دست اندر کاران حکومتی اینگونه متناقض سخن می‌گویند، از پاسخگویی مشخص به مسائل ظفره می‌روند و همه چیز را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند؟ هیات حاکمه که از همان فردای قیام ۲۲ بهمن رسالت خود را حفظ مناسبات ارضی با زمانه از رژیم شاهی قرار داده بود، مستقیماً در مقابل جنبش انقلابی دهقانان قرار گرفت و بطریق مختلف سعی در سرکوب آن نمود. اما ادامه، گسترش و تعمیق جنبش مصادره زمین و شکل‌گیری شوراهای دهقانی، به همراه گسترش نفوذ نیروهای چپ در درون روستاها، - حاکمیت را مجبور کرد تا در جهت اجرای یک فرم ارضی معتدل اقدام نماید، تا شاید از این طریق حرکت‌های اعتراضی دهقانان را کنترل کند، مانع رشد روزافزون نیروهای چپ در درون روستا بشود و کلاً جو انقلابی حاکم بر روستاها را مهار نماید.

اما همچنانکه انتظار می‌رفت، وقتی که حاکمیت در نیمه راه اجرای فرم ارضی بوروکراتیک، شرایط را برای باز شناساندن امتیازاتی که تحت فشار دهقانان داده بود، آماده دید، بلافاصله حکم بر لغو اجرای بند "ج" از قانون واگذاری داد. و بدین وسیله بیش از پیش حمایت خود را از زمینداران بزرگ آشکار ساخت. لیکن بعلاوه ادامه بحران سیاسی و ظرفیت انقلابی توده‌ها، شرایط آنچنانکه حاکمیت تصور میکرد، هنوز - برای توقف اجرای "اصلاحات ارضی" آماده نبود.

با توقف بند "ج"، دهقانان که از برآورد شدن حداقل خواستهای خویش توسط "جمهوری اسلامی" مایوس شده‌اند، خود وارد عمل شده و بطریق گوناگون در جهت بدست آوردن مطالبات خود (که بند "ج" از قانون واگذاری تنها بخش کوچک و ناقصی از مطالبات آنان را تشکیل میدهد) به مبارزه پرداختند. مسالمت‌آمیزترین نوع این مبارزات و اعتراضات دهقانی، نوشتن نامه‌های متعدد به مجلس، آیت‌الله خمینی و غیره در جهت اجرای اصلاحات ارضی است. اگر چه ممکن است این اقدامات هنوز به نوعی مساله توهم دهقانان به

در روزهای اخیر، دوباره، مساله "بالکلیت زمینهای مزروعی بعنوان یکی از معضلات جمهوری اسلامی در سطح جامعه مطرح شده است. حاکمیت که طی این دو سال نتوانی خود را در حیل مشکلات زحمتکش و بی‌احداقل تخفیف نسبی آنها ثابت کرده است، اکنون در برابر بلا گرفتن مجدد مساله ارضی و مطالبات دهقانان، درماندگی و استیصال خود را با ردیگر به شیوه می‌رساند. حاکمیت از ابتدا با تمام توان در مقابل اقدامات انقلابی دهقانان جهت حل دموکراتیک مساله ارضی (یعنی با ابتکار خود دهقانان و از پائین) ایستاد و به سرکوب انسان پرداخت. سپس با متوقف کردن امر تقسیم بخشی از اراضی مالکان (بند "ج" از قانون واگذاری اراضی) نشان داد که حتی یک فرم ارضی سرودم بریده، نیز عا جزاست. اینک نیز در مقابل موج نوین مبارزات - دهقانی، بیهوده می‌کوشد با وقت گذرانی، وعده سرخرمن دادن و سخنان ابهام آمیز و ضدونقیض بحران موجود را از سر بگذراند.

در این رابطه، در حالیکه آیت‌الله مشکینی اجرای بند "ج" را به اتمام جنگ موکول می‌کند، دکتر بهشتی می‌گوید:

"فکر می‌کنم مسائلی را که شرایط آن تحقق پیدا نکرده، به موقعی که شرایط آن محقق شود واگذار کنیم بهتر است، تا موقعی که تصمیم می‌گیریم بتوانیم بخوبی اجرا کنیم" (جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن). بدین ترتیب دکتر بهشتی از کناره‌تقسیم اراضی زمینداران بزرگ می‌گذرد و آنرا به "موقعی که شرایط آن محقق شود" احواله می‌دهد. جالب است که پس از ده روز از این اظهار نظر، وی می‌گوید: "اصولاً بر طبق خود این لایحه لازم بود هیات واگذاری تلاش میکرد تا زمینهای موات را که قابل عمران و آبادی هست تقسیم کند" (جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن). و بدین ترتیب بطور ضمنی اصولاً موضوع هرگونه تقسیم اراضی زمینداران بزرگ را ماسکت مالی می‌کند. در همین رابطه، سلامتی وزیر کشاورزی اظهار می‌دارد که "بعد از توقف بند "ج" در کنار مشکلاتی بوجود آمد. امیدواریم طرحی تهیه شود که این مساله ریشه‌ای حل شود و بتوانیم برنا مه ریزی کنیم (جهانگرد ۱۳ تا ۲۰ بهمن ۵۹). همچنین در قطعنامه سمینار آمد ایران کل

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رهنمودهای فسنجانی

به امپریالیستها

مساعدی که توهم توده ها را فراهم نموده بود استفاده نکرده است. او که از اشتباه فرانسه بسیار ناراحت است، فرانسه را نصیحت میکند که "من تذکر بشما میدهم که فرانسه اشتباه میکند، ما ملت کینه توزی نیستیم اگر شما اشتباه خود را اصلاح کنید میتوانیم روابط حسنه ای داشته باشیم." (جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ اسفند) و بدین صورت حرف آخر خود را میزند و صریحا میگوید که از سوی رژیم جمهوری اسلامی جهت برقراری "روابط حسنه" مانعی نیست و فقط میل، میل شماست. این شماست که باید در پیش گرفتن سیاستهای "درستی" چون سر از زیر گردن سیل سلاح ومهمات به ایران، دادن وام واعتبارات امپریالیستی و صدور کالا و سرمایه با جلو بگذارد و روابط را "حسنة" کنید.

هاشمی فسنجانی اظهار تعجب می کند که "دولت فرانسه حتی ناوچه های را که ما پول آنها را پرداخت کرده ایم به ما نمیدهد" (البته خودش فوراً میگوید که اخیراً تحت فشار (!) به ما قول تحویل داده است) آنگاه فسنجانی که چشم انداز خریدهای عظیم تسلیحاتی از کشورهای امپریالیستی را پیش روی دارد بسیار تعجب می کند که چرا فرانسه حتی ناوچه ها را هم تحویل نمیدهد؟! *

سردمداران رژیم که بی صبرانه از هر راهی جهت بسط وتحکیم روابط خود با کشورهای امپریالیستی بخصوم امپریالیستهای اروپای وژاپن می کوشند و قاحت را بدانجا رسانده اند که علناً "امپریالیستها را به هر چه نزدیکتر شدن و هر چه محکمتر کردن روابط فی ما بین، تشویق میکنند. اما تمامی سران جمهوری اسلامی باید بدانند که خلق ایران برخلاف تصور آنها نسبت به امپریالیسم جهانی بسیار "کینه توز" است و نفیست و کینه اش نه تنها نسبت به تمامی امپریالیستهای غارتگر جهانی بلکه به تمامی سرمایه داران و زمینداران و حامیان نیز بی پایان است. هاشمی فسنجانی و تمام هم پالگانی های ایشان با دیدن آنکه خلق قهرمان ایران نه تنها اجازه نخواهد داد که "روابط حسنة" با امپریالیستهای گسترش و تداوم بیابد بلکه رژیم را نیز که بسرعت در جهت هر چه گسترده تر کردن این روابط گام برمیدارد دیربیا زود خواهد شناخت و به زبانه دانی تاریخ روانه خواهد کرد.

یکی از مسائلی که دو جناح اصلی هیئت حاکمه بر روی اساس آن توافق نظر دارند (هر چند که در مورد شیوه های تا حدی اختلاف داشته باشند) سیاست نزدیکی، بسط وتحکیم روابط با امپریالیستهای اروپائی وژاپن است. رژیم جمهوری اسلامی در این راه تا بحال گامهای بسیار برداشته است. که گمترین آن تمدید قرارداد های موجود با این امپریالیستها و همچنین عقد قرارداد های جدید احداث کارخانجات و تاسیسات نیروگاه و شبکه برق و... بخصوص با ژاپن و آلمان است و حتی در این اواخر کار رژیم بجای رسیده که مستشاران آلمانی صنایع دفاع را نیز بسرکارهای خود بساز گردانیده است (جالب اینجاست که حتی رئیس گروه آنها همان مستشاری است که در دوره شاه خان این سمت را بعهده داشته است). اما از سوی دیگر سردمداران رژیم حاکم در برقراری نظم و امنیت لازم شاهد است سیاست دوپهلویی را پیش گرفته که یکی از وجوه آن در فشار رهنسازان جمهوری اسلامی و مقابله با آنست به این منظور که شاید بتوانند در این میان رژیم "قدرتمند" بر سر کار آورد و منافع دراز مدت خویش را حراست کنند. حرکات کشورهای امپریالیستی چون تحریم نیم بند اقتصادی و اعمال فشارهای سیاسی و... در این رابطه قابل تبیین است. از این جهت است که هاشمی فسنجانی یکی از رهبران جناح حزب جمهوری اسلامی مسئولیت "ارشاد" و "نصیحت" امپریالیستها و هدایت آنان در جهت ایجاد روابط حسنة با رژیم جمهوری اسلامی را بعهده گرفته است. هاشمی فسنجانی به روشنی به کشورهای امپریالیستی رهنمود میدهد که دست از لجاج بردارند و با اصلاح خود به تحکیم روابط غارتگرانه فی ما بین بپردازند. و بدانند که برای برقراری "روابط حسنة" فقط دو چیز لازم است اول رضایت امپریالیستها و دوم فریب توده ها.

هاشمی فسنجانی در "دیدار و گفتگو با سفیر فرانسه" در روز شنبه ۱۶ اسفند ماه میگوید "مردم ایران در اوازل انقلاب نسبت به فرانسه احساسات خوبی داشتند... که فرانسه میتوانست از آن استفاده کند و اگر فرانسه دوستانه برخورد میکرد میتوانست همکار خوبی برای ما باشد. و اما فرانسه در سیاست خود اشتباه کرد" حجت الاسلام هاشمی فسنجانی بسیار متاسف است که چرا فرانسه از زمینه

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

تهران

یک پیرمرد زحمتکش در تاسی: معلوم نیست آدم حرف چه کسی را باور کند دولت میگه وضع آواره ها خوبه، از طرفی کسانی که از لرستان و از این طرف و آن طرف میآیند میگوین وضع آواره ها بده! مریضی زیاده، به آواره ها رخت و لباس و غذا نمیدهند، غذا نمیدهند آخرا این همه کمکی که مردم کردند کجا رفته؟

بهبهان

شهر مملو از جمعیت است. جای سوزن انداختن نیست، مسافرخانه ها جای خالی ندارند، تمام مدارس بوسیله جنگ زدگان مثل اردوگاه شده است، عده ای کنار خیابان زندگی میکنند، بسیاری از ساختمانهای نیمه ساخته شده بوسیله نایلون اطرافشان محصور شده و عده ای را زیر سقف نایلونی خود جا داده است. وارد یکی از این مدارس می شوم، در گوشه و کنار اسباب و اثاثیه جنگ زدگان ریخته شده است علاوه بر اتاق ها که در هر کدام از آنها ۱۰الی ۱۵ نفر زندگی می کنند در حیاط هم جا در زده اند قیافه های رنجور و زرد کودکان، زنان سیاه پوش و قیافه های غم زده دل هرتازه واردی را به دردمیآورد. به مرد ۳۵ - ۳۲ ساله ای که در کنار یکی از جا درها دوزا نوشته و به روبروش زل زده است نزدیک می شوم: سلام آقا، میهمان میخواهید...؟ مقوائی را که نزدیکش است جلو می کشد و می گوید: بفرمائید، قدمتون رو چشم ما خودمون هم میهمون هستیم، سرمحبت بازمیشود چند نفر دیگر هم جمع میشوند. مرد کم بعداً فهمیدم قبلادر خرمشهر آهنگی میکرد. اشاره ای به ۴ بچه ای که نزدیک جا در بازی میکردند و از سرور ویشان نمکس بالامی رفت نمود و گفت "الان سه هفته است حمام نکرده اند یک حمام رفتن ۱۰ تومان آب می خورد، بچه های ما زکشافت شافته نمیشوند حمام بدرک، گرسنگی آگرسنگی! توالن جوونی نمی فهمی چه دردی دارد بچجات گریه کند، زار بزندولی توننتونی کاری بکنی، مفازه ها پراز گوشت باشی پراز غنبد باشی... گفتم و پس کمک های مالی و جنسی مردم چه شده است؟ زن جوانی که تاون گل ولای دمپاشی پوشیده و یک تشت نایلونی دستش است با عصا نیت می گوید "چی شده؟ رفتسه توجیب آقا یون، اینها همه شون یک مشت دزدند با نام سلام مردم را می چابند... بقیه در صفحه ۱۱

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



نامه یک پاسدار سابق کمیته

مردم چه میگویند . . .

بقیه از صفحه ۱۰

خودتون بهتر میدونید، ببینید چه بلای سر ما آورده اند (اشاره ای کرد به اطرافش. همایش تقصیر همین حکومت، تومبیل ها شون لمدا دند و دستور ما در می کنند و سخنرانی می کنند)

شما میدهند، پدر سوخته ها آهنگ سر: راست میگه الان ۱۲ روز است کسی نیامده بپرستد حالتون چگونه؟ یک ماه پیش به ما که انفریم سه تا پتودا دند که نمی بینیم رومون بکشیم یا زیرمون بیا نذا زیم از سر ما خوابان نمی برد، حالا بزای ما کمی محفوظ است تعدادی از بستگانم توی خانه های نیبه تمام شهرک کنار بهبهان می نشینند، خانه ها سقف ندارد، فقط چهارتا دیوارند، سقف رابا نایلون و مقوا پوشانده اند، انباران که آمدجا شون نم گرفتند استخوان در در گرفته اند، همان زن جوان تشت بدست دنباله حرفش را گرفته بدتراز این توالیت هم ندارند خود شون گوشه حیا طراکنده اند و دورش را مقوا گرفته اند این شدتوالت شون، بچه ها و با گرفته اند مریضی پیدا دمی کند، پیرمردی که یک سیب زمینی پخته پوست می کند و تا زه به جمع ما پیوسته می گوید: "عیبی نداره جنگه نشالله اگر بنی صدر را بزارند جنگ را تمام می کنند" پس جوانی از پشت سر من می گوید "عجب حرفها! مگر بنی صدر را به زنجیر کشیدند که می گویند اگر بزارن، بنی صدر فقط سده حرف بزنند و ارتش را از نووازش کنه، دست کمی از دارو دست راجائی ندارد، چرا یک دفعه در مورد اسلحه دادن به مردم صحبت نمی کنند؟ چرا ما را مسلح نمی کنند؟ چرا دو ماه قبل از جنگ موقعی که ما کارگران گمرک می دیدیم که بعضی ها در بصره سنگربندی می کنند و به مرز، هوا پیمای و کشتی می فرستند هیچ قدامی نکرد، مردم را هوشیار نکرد و گذاشت که غافلگیر بشوند "مرد آهنگر": راست میگه ما را مثل گوسفند زیر بمب ها رها کردند، ما هم دیدیم دست خالی ما نندن توشهر فایده ای ندارد، اگر تفنگ داشتیم به عراقی ها می فهمانیدیم که بمب ریختن روی شهری یعنی چه؟ (دستهایش را در حالی که می لرزیدند نشان داد) حالا این دستها که آهنگر را خم میگردیدید بر دم گدائی کنیم، بغض گلویم را گرفته است، با ضرب دست آهنگر روی پایم بخود آدمم، از شورای آوارگان برایشان صحبت کردم که چگونه این شورا را تشکیل بدهند با آوارگان دیگر تماس بگیرند و نمایندگان خود را انتخاب بکنند دنبال خواسته هایشان بفرستند، مبارزه کنند و حشون را بگیرند و آهنگر چه خوب می گفت که اگر ما اینها را سرکار آوردیم، خودمون هم میتونیم برشون داریم روزگار اینجوری نمی مونه حق به حق داریم برسه، بهداشت، مسکونان حق مسلم آوارگان است.

نمی خواستیم به روی خلق زحمتکش خاک سفید اسلحه بکشیم. زمینی که حقیق مسلم آنهاست. زحمتکشانی که بعد از پیروزی انقلاب با وعده های پیوج و بیهوده حزب حاکم که به آنها داده بود تا در بنیاد مسکن مستضعفین ثبت نام بعمل بیاورند تا به آنها زمین بدهند ولی اینرا بدانید که تمام زمینهای بنیاد مسکن را به سرمایه داران به عنوان مستضعف داده اند. آیا یک زحمتکش میتواند صد هزار تومان خرج اسکت بندی ساختن خود بنماید یا اینکه هزارها تومان خرج سنگ مرمر ساختن و غیره... بکنند مسلما خیر. چرا که اینها زحمتکش نیستند اینها همان فراریان رژیم سابقند که اکنون تحت الحمایه حزب حاکم قرار گرفته اند. ما خود فرزندیک زحمتکش هستیم در دلقهای محروم را میدانیم و نخواستیم به روی آنها آتش بکشیم. این بست فطرتان چه خیال خامی کردند آنها میخواستند با چند برابر کردن حقوق ما را بخرند!!! و یک فدائی خلق خیلی بالاتر از این حرفهاست که بشود او را خرید. اگر یک فدائی خلق خریده میشد شاه آنها را میخرید و دیدیم که چگونه خریده نشدند که هیچ، بلکه با هرگونه ظلم درجا معایبه مبارزه برخاستند. ما بیکاری و گرسنگی را به گرفتن ماهی چند هزار تومان و اسلحه کشیدن به روی زحمتکش ترجیح میدیم بلکه ما گرسنگی و بیکاری را تحمل میکنیم ولی حاضر نیستیم حتی یک فشنگ به روی خلق شلیک کنیم. زمانی که هرفشنگ ما با یک قلب امپریالیسم به سرکردگی امریکا را بشکا فدچرا باید به روی زحمتکش شلیک کنیم. رفقای عزیز ما میدویم این مطلب را حتما در هفته نامه کارچاپ کنید که مردم بدانند که یک ما مورسابق کمیته هم میتواند فدائی خلق باشد. در راه آرمان خلق قدم بردارد. چون به سلاحهای سبک از قبیل ژ-۳ - تیربار - نارنجک آشنائی کامل دارم حاضریم در جبهه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان علیه تجا و زگران خلق کرد بجنگم. مرگ بر امپریالیسم جها نی به سرکردگی امریکا

مرگ بر سازشکار
به امید پیروزی طبقه کارگر
و با درود فراوان بر سا زمان پرافتخار
چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

نامه ای را که در زیر ملاحظه میکنید یکی از رفقای هوادار سازمان که قبلا پاسدار کمیته بوده است برای ما فرستاده و از ما خواسته است که آنرا در کارچاپ کنیم. این نامه یک افشاءگری زنده از حاکمیتی است که بر اساس توهم و ناآگاهی توده ها با قدرت رسیدن امروز ماهیت ضد انقلابی بر زحمتکشان میهن ما روشن میگردد. مادر زیر عین نامه را منتشر می کنیم که خود گویا ترا ز هرگونه تحلیل و توضیحی در مورد ما هیئت ضد خلقی و سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است.

روزنامه کار
ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خدمت رفقای عزیزم سلام، پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال کلیه رفقا خوب باشد تا هر چه مستحکم تر در راه آرمان خلق قدم بردارید. رفقای عزیز، من پاسدار سابق یکی از کمیته های تهران هستم و میخواستم قدری از فعالیت های خودمان و دستورهای ضد خلقی رئیس کمیته منطقه را که یک آخوند بود به شما بگویم تا در روزنامه کارچاپ کنید و همه خلق از این امر باخبر باشند که چه کسانی پاسداران را در مقابل زحمتکشان قرار میدهند. من و تعدادی از بچه هایی که همگی از خانواده زحمتکشان بودند در یکی از مناطقی تهران بعد از پیروزی انقلاب به سمت خلق بپا خواسته میهنمان، کمیته ای تشکیل دادیم که به تصویب کمیته مرکزی رسید. ما حدود یک سال در آن کمیته فعالیت داشتیم و در عرض این یکسال افراد پاسدار از کمیته پا کسای کردیم. تمامی فعالیت های ما در راه خلق بود ولی بعد از مدتی بدون هیچ دلیلی کمیته ما را منحل اعلام کردند ولی ما که قسم خورده بودیم که برای زحمتکشان میهن قدم برداریم پس از دوندگی های زیادی موفق شدیم در کمیته گروه ضربت مستقر در شهرداری همان منطقه شروع به فعالیت بپردازیم. من بعد از مدتی متوجه دزدی و رشوه گیریهای مسئول آنجا شدم که احمد م. نام داشت. و یک شب با شورای که با بقیه بچه ها تشکیل دادیم قرار شد که اگر احمد م. در آنجا فعالیت کند. بچه ها همه استعفا خواهند داد. خلاصه موفق شدیم این مزدور کثیف رژیم را بیرون کنیم ولی بعد از چند روزی نیز آنجا را منحل اعلام کردند میدانید چرا؟ به دلیل اینکه ما

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

دهقانان باید خودشان

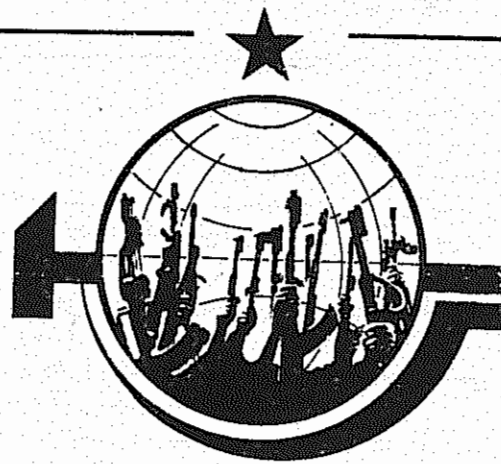
دست بکار شوند

بقیه از صفحه ۹
(اطلاعات ۲۰ بهمن ۵۹)
این مصالحه، صرفنظر از اینکه ما هیئت و وظایف هیات های هفت نفره یعنی حفظ آرامش در روستا ها، انحراف دهقانان از مبارزه انقلابی در جهت احقاق خواستههایشان، نفوذ در بین آنها، تشنج زدائی در روستا و کلاً "حفظ لایحه حاکمیت جمهوری اسلامی در روستا را نمایان می سازد، بیان نگرا و ج گیری جنبشهای دهقانی نیز می باشد. هر اس از این اوج گیری و گسترش مبارزات دهقانی است که این روزها هیات ها که هر ا و ادا ساخته تا از یک سو به مقاومت در اجرای بند "ج" از قانون و گذار ری کذا سطح مطالبات دهقانان و اقدامات انقلابی آنان نیز بسیار پائین تراست، دستبازند، و از سوی دیگر به مبهم گویی و وعده سرخرم من دان بدرد زد. هیات ها که به در این صورت است که با ماکول کردن اجرای اصلاحات ارضی به آینده اینها معلوم و بقول دکتر بهشتی برای موقعی که شرایط آن محقق شود طی این مدت جنبشهای دهقانی را سرکوب کرده و وظیفه خود را در قبسال مالکین انجام دهد. بنا بر این تا آن زمان باید که سخن از آینده گفت. اما هر روز که میگذرد بنا ادا میبهران موجود باعتبار مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک توده ها و بویژه تعمیق هر چه بیشتر مبارزات کارگری، مبارزات دهقانی نیز، گسترش و تعمیق یافته و دورنمای این آینده را برای هیات ها که تا ریکتر می سازد. امروز بیش از پیش برای دهقانان ثابت میشود که نباید فریب وعده های سرخرم رژیمر را بخورند دهقانان باید خود دست بکار شوند. با تشکیل شورا ها به مصادره زمینداران بزرگ بپردازند و شورش زمینداران بزرگ را از سر خود کم کنند.

کد ملی مشهد م - ۲۳۴۵ ع - ۱۵۵۰	۱۰۲۸۶ ۱۱۵۷ ۲۳۹۳ ۳۴۱۶	۵۷۷۷ ۶۷۴۶ ۳۰۰ ۱۴۴۹	۲۱۲۰ ۱۳۱۴ ۳۱۲۳ ۲۲۴۷	۲۵۵۰ — ع ۱۸۸۸ ۱۰۲۲	ش ۲۸۲۰ ۱۳۲۱ ۲۰۰۰۰ ۵۱۲۳	۵۰۰ ۷۳۳۳ ۲۱۴ ۷۲۲	۲۵۰۰ ۱۰۰۰ — —	۲۶۰۰ ۱۰۴۴۴ ۵۰۳۲ ۵۰۳۵	الف ۴۲۲ ۳۲۲ ۶۲۲۲
رفقای سنقر جک ۱۵۰۰۰ ریال	۶۲۰ ۱۶۱۱ ۱۶۶۶ ۱۰۳۲	۵۸۷ ۲۰۱۳ ۱۰۰۴۸ ۱۲۰۰	۱۲۰۱ ۳۰۰ ۱۰۲۱ ۱۹۰۰	۶۰۱ ۳۱۰۰ — ف ۹۹۵	۲۵۳۶ ۱۴۵۲ ۱۱۰۰ ۵۰۰	۲۴۰۴ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱	۱۱۱۱ ۴۱۱۱ ۱۴۴۴ ۱۵۳۷	۵۵۰۰ ۵۱۷ ۲۱۱ ۴۳۰	۱۴۰۵ ۲۸۰۸ ۱۰۰۴ ۵۱۲۳
رفقای پاوه ت - شه ۴۰۰۰ جهان ۱۰۰-۱۰۰۰ ریال	۲۰۴۲۵ ۵۱۲۳ ۱۶۱۳ —	۵۵۵ ۳۱۳۱ ۱۷۱۰ ۶۰۰	۱۵۰۴۷ ۱۶۶۶ ۳۰۰۰ ۲۳۷۳	۲۲۲۲ ۱۰۳۰۰ ۲۲۲۲ ۲۲۲۲	۲۵۳۶ ۱۴۵۲ ۱۱۰۰ ۵۰۰	۲۴۰۴ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱	۴۱۱۱ ۱۴۴۴ ۱۵۳۷ ۹۰۰	۵۱۷ ۲۱۱ ۴۳۰ ۳۰۰۰	۲۸۰۸ ۱۰۰۴ ۵۱۲۳ ۳۰۰۰
علیشا عوض د	۵۰۰ ۲۷۷۵ ۲۵۱۹ ۴۰۰	۶۰۰ ۲۱۲۸ ۱۱۴۶ ۶۶۹	۳۰۰۰ ۱۰۳۴ ۳ ۲۳۵	۱۰۳۰۰ ۲۲۲۲ ۵۰ ۱۴۷۲	۴۲۲ ۱۰۳۴۰ ۲۰۷۱ ۱۰۱۱	۲۰۱۰۰ ۳۴۹۹ ۵۱۴۶ ۴۱۵	۷۰۰ ۶۴۶ ۵۰۲۹ ۵۵۵	۱۹۲۰ ۱۳۰۰۰ ۲۲۲۲ ۱۱۱۲	۱۳۳۳ ۱۰۰۰ ۱۳۳۳ ۵۵۵
رفقای ماه شهر ۲۵۰۰	۲۱۲۳ ۲۱۲۳ ۷۴۰ —	۵۴۹ ۳۲۶۶ ۵۱۹ —	— ۱۰۰۰ ۱۶۱۷ ۱۸۵۲	۶۱۴۰ ۷۷۷ ۲۰۰ ۵۲۴۳	۶۰۰ ۸۵۵۵ ۱۰۳۹ ۱۰۰۷	۵۳۷۱ ۱۰۰۰ ۱۵۰۰ ۲۳۵۰	۱۶۱۱ ۱۱۴۷ ۱۰۰۰ ۱۱۳۳	۲۱۲۲ ۲۰۰۰ ۱۰۰۰ ۳۰۰۰	۵۲۵۰ ۳۱۰۱ ۸۱۱۱ ۴۳۳۳
امانت شما رسید ه - ۲۰۳ ل - ۱۱ ز - الف ن - ۱۱	۵۰۲۸۳ ۳۰۲۸۳ — —	۳۲۵۹ ۳۰۱۸۴ ۷۷۳ —	۱۸۵۲ ۵۲۱ — —	۵۲۴۳ ۴۰۰۰ ۵۲۲۲ ۲۷۰	۱۰۰۷ ۲۰۱۰۰ ۳۰۰۰ —	۲۳۵۰ ۵۰۰۰ ۶۰۰۰ ۵۰۱۱	۱۱۳۳ ۱۰۳۵ ۵۱۳۳ ۸۱۶	۳۰۰۰ ۸۸۰۰ ۲۷۷۷ —	۱۵۶۹ ۵۱۰۰ ۱۱۲۰ —
ب - ۱۴۵۱ از شهر کرد و رفیق اصغر رفقای زندا نسسی متینک سیا دکل ر - ۲۵۳ رفیق ناصر ر - ۲۰۰	— — — — — —	۱۰۲۲ ۲۲۲۲ ۲۱۲۳ ۵۹ ۵۲۶ ۱۱۱۲	— — — — — —	۲۷۰ ۱۲۷۲ ۵۸۶۱ ۷۴۲ ۱۱۰۰ ۱۲۲۲	— — — — — —	۵۰۱۱ ۱۲۷۰ — — — —	۸۱۶ ۱۲۲۲ ۳۳۳۳ ۵۵۵۵ ۳۳۵۵ ۵۰۰۴	— ۳۱۰۱ ۱۰۰۱ ۱۷۶۲ ۲۷۰۰ ۲۱۰۰	۱۱۲۰ ۱۰۰۵۵ ۳۱۲۳ ۲۰۱۰ ۴۲۰ ۱۵۰۰
رفیق زاملش رفیق زرد سر رفقای فیلیپین ۳۸۰۰۰	— — — —	۱۷۰۰۰ ۱۵۰ ۴۰۰ ۵۵۵۵	۱۵۰۰۰ ۴۵۲۲ ۶۱۱ ۱۱۱۱	۲۵۱۲۶ ۶۰۴۱ ۵۲۲ ۲۰۰۰	۲۹۹۹ ۲۵۱۲۶ ۶۰۴۱ ۵۲۲	۲۰۱۵ ۶۰۰ ۱۲۲۴ ۲۲۲۲	۲۰۴۹ ۱۲۰ ۵۰۳۳ ۶۲۳	۴۱۱۱ ۱۲۰۰ ۳۰۰۰۰ ۷۱۰	۳۰۳۱ ۶۰۰ ۲۰۰۰۰ ۷۲۲۵
رفقای فلوریدا آمریکا د - م - ۶۰۰۰ رفیق یوسف نامهات رسید ۱۰۰ ریال رفیق ر. م. نامهات رسید اقدام لازم صورت خواهد گرفت.	— — — — — —	۵۲۴ ۲۵۲۲ ۱۵۰۰۰ ۲۰۳۳ ۱۰۴ ۱۱۱۲ ۲۰۰۰ ۱۱۰۶	۱۰۰ ۱۶۵۴ ۱۱۵۴ ۵۸۴ ۱۲۵۰ ۵۷۷۷ ۱۱۰۰ ۴۰۰۰	۶۱۱ ۱۱۱۴ ۳۱۳ ۷۱۰ ۹۱۷ ۱۶۳۳ ۱۰۰۰ ۲۰۰۰	۱۹۱۱ ۷۴۴ ۲۳۱۰ ۲۶۴۵ — — — —	۲۰۱۶ — ۶۶۵ — — — — —	۲۰۰۰ ۱۰۰۳ ۴۰۸۶ — — — — —	۴۰۰۵ ۷۰ ۴۰ ۸۵۶ — — — —	۱۳۶۶ ۸۳۳۵۳ ۴۰۲۷ ۱۰۳۵ ۵۲۲۲ ۱۱۶۰ ۳۲۵۰ ۲۱۰۰
بدون حرف اول نام	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —
رفقای استانبول ۳۰۰۰۰ ریال	۲۵۲۶ ۵۱۲۲ ۱۴۹۹	۲۷۰۰ ۴۰۴ ۱۶۵۰	۲۰۰۰ ۵۷۲۰ ۲۵۰	۵۱۱۷ ۳۲۵۷ ۶۱۱	۶۱۲ ۵۱۲۳ ۱۳۱۹	۶۲۵۴ ۲۷۵۰ ۳۰۵۵۵	۱۱۰۵ ۶۱۱ ۲۰۳۲	۲۶۵۱ ۱۳۳۳ ۴۲۰۰	۵۰۰۶ ۵۰۶ ۱۵۷۷
رفقای میانندوآب (داننش آموز) ۳۱۰۰ ریال و ۱۲۴۹ ریال	۱۲۰۰ ۱۲۳۱ ۱۰۵۵ ۵۲۱۴	۱۰۰۰ ۱۵۰۰ ۱۶۰۰ ۲۳۵۰	۱۵۰۰ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱ ۱۰۱۸	۲۱۱۱ ۱۱۰۰ ۱۵۰۰ ۲۰۰	۱۳۱۹ ۱۱۵۶ ۱۱۰۰ ۱۰۲۸	۱۲۰۰ ۱۰۰۱ ۸۱۱ ۳۳۵۳	۱۴۶۵ ۵۱۸ ۳۱۱ —	۵۱۱۱ ۵۱۰۷ ۵۹۹۹ —	۵۰۰۶ ۵۰۶ ۱۵۷۷ ۵۰۰۰
رفقای سربازاز پادگان مرند ۲۸۵۸	۱۶۰۲ ۸۶۱ ۱۱۱۱ ۱۱۰۰	۵۰۰ ۲۱۰۰ ۴۲۲۲ ۶۰۰۷	۱۱۰۰ ۲۰۱۲۳ ۱۰۳۵ ۳۲۳۲	۲۶۱۳ ۱۰۰۰ ۸۳۳ ۱۵۱۱۶	۱۰۰۰۱ ۵۷۷۷ ۵۱۱۴ ۵۰۰۰	۵۱۸۳ ۱۰۴۲ ۵۰۰۰ ۱۵۰۰۰	۵۵۳۶ ۵۱۰۶ ۵۰ ۱۵۵۹	۲۱۱۹ ۱۰۰۰ ۱۲۲۰ ۲۹۰۰	۱۴۰۵ ۲۴۰۵ ۵۵۲ ۵۵۴
رفیق دانش آموز از فرخ شهره ۱۱ ریال	۷۲۳۲ ۲۷۷۷ ۵۰۰	۳۱۲۳ ۱۲۷۷ ۱۰۰۰	۳۲۳۲ ۵۰۰ ۲۵۰	۱۲۴۰ ۵۰۱۱۱ —	۵۲۱ ۱۰۲۳ ۵۰۱	۱۰۲۳۴ ۱۱۱۱ ۵۵۵۰	۴۲۲ ۱۰۰۰ ۱۳۳۳	۲۵۰ ۱۷۰۱ ۲۰۰۰۰	۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶
رفیق داریوش نامهات رسید.	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —
محصلین جنگ زده شهر کرد ۴۰۰ ریال	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —	— —

مبارزات کارگران در کشورهای امپریالیستی رو با اعتلاست

جنبش جهانی کارگری - رهائیبخش



بحران اقتصادی کشورهای سرمایه داری که کل اردوگاه امپریالیسم را فرا گرفته است با گذشت هر روز از ژرفا و عمق تازه ای برخوردار می گردد و ابعاد نوینی بخود می گیرد. طی چند هفته اخیر بسیاری از صنایع کشورهای امپریالیستی دچار رکود تازه ای شدند و این امر منجر به تعطیل تغذای از کارخانه ها و ویسا توقف موقت در تولیدات برخی از رشته ها بویژه ماشین سازی شد. در ایمن میان با زهم بر تعداد بیکاران و فقر و تنگدستی زحمتکشان افزوده شد. حدت این بحران به تشدید هر چه بیشتر تضادهای طبقاتی و مبارزه میان کارگران و سرمایه داران انجامیده است. هم اکنون موج نوینی از مبارزات آشکار کارگری در سراسر کشورهای امپریالیستی در حال گسترش است. و اعتلا نوینی در جنبش طبقه کارگر پدید آمده است. اخبار و گزارشهای مربوط به جنبش طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی بنحو عینی بیانگر این واقعیت است.

توجهی است علیه کارگران کارخانه بلکه اقدام توطئه گرانه ای است علیه اقلیت های نژادی. چرا که اتحادیه سلاخی است در دست کارگران که مانع برداشت دستمزدها کمتر به اقلیت ها میگردد. کارگران میگویند: "اعتصاب به ما موخته است که همه چون تنی واحد و به مثابه کارگران مبارزه کنیم نه چون یک انسان سیاه، سفید، فیلیپینی و یا آمریکای لاتینی. همه در یک صف و نه علیه یکدیگر."

اعتصاب بخشهای مختلف در صنایع آلمان.

جنبش های اعتراضی کارگری اکثرا به صورت اعتصاب در مراکز اصلی ذوب فلز آلمان فدرال و در صنایع متوسط و نیز در بخشهای بزرگ مانند "مرسدس بنز" گسترش یافته است. سندیکاهای کارگری خواهان ۸ درصد افزایش دستمزد میباشند. مقطعه کاران که در آ گاز، با ۲/۵٪ افزایش دستمزد موافق بودند، بدنبال اعتصاب اخیر، به ۲/۵٪ نیز راضی شدند. در صنایع ذوب فلز در فرانکفورت، مبارزه ای بسیار قاطع تر و گسترده تر صورت گرفت، کارگران به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند، و در پی آن یک راه پیمائی آغاز شد که به سرعت دهها هزار کارگر را در بر گرفت. همراه با این راه پیمائی ۱۷ هزار کارگر ذوب فلز "بادن" و "تن برگ" نیز طی چند روز و هر روز به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند. همچنین، تظاهراتی بنا شرکت هزاران کارگر در "ویس بادن" صورت گرفت. دامنه این حرکات اعتراضی کارگران به بسیاری از کارخانه های "دورت موند" نیز کشیده شد. کارگران با پلاکاردهایی که بر

آمریکا:

شیکاگو ۲۵۰ تن از کارگران کارخانه شرکت امپریالیستی استوارت - وارنر، در اعتراض به اخراجهای بی درپیی و پیش از تاریخ پایان قراردادها استفاده می و همچنین بخاطر کمی دستمزد از تاریخ ۲۴ ژانویه سال جاری بمدت سه هفته دست به اعتصاب زدند. این کارگران در بخشهای برق و صنایع هوا پیمائی کار می کنند و اکثریت آنها را کارگران زن تشکیل می دهد و همگی عضو اتحادیه کارگران برق کار هستند. آنها بدلیل افزایش هزینه زندگی خواهان ۹ درصد اضافه دستمزد در هر ساعت و نیز تا مین بیمه پزشکی و افزایش حداقل دستمزد بودند این اعتصاب از سوی کلیه اتحادیه های کارگری منطقه شیکاگو پشتیبانی شد.

همه همه در یک صف:

سانفرانسیسکو: کارگران کارخانه "بلوشیلد" وارد هفتمین هفته اعتصاب خود شدند (۶ فوریه). اعتصاب کنندگان به فقدان شرایط ایمنی لازم در کارخانه و کمی دستمزد اعتراض دارند. این کارگران که اکثرا "سیاه پوست" فیلیپینی، آمریکای لاتینی و ... هستند میگویند کارفرما سعی در متلاشی کردن اتحادیه دارد و این نه تنها

روی آن نوشته شده بود: "وضع اسفناک در صنایع ذوب آهن آلمان" در خیابانها به حرکت درآمدند.

اعتصاب کارکنان در انگلستان

در هفته های گذشته کشورهای امپریالیستی اروپا شاهد اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران و کارکنان بودند، از جمله اعتصاب بیست و چهار ساعته نیم میلیون کارکنان دولت انگلستان است که به نشانه اعتراض به پائین بودن دستمزدها در هفته گذشته صورت گرفت. در پی این اعتصاب گسترده، امور فرودگاهها، موزه ها، گمرکات و ادارات دولتی مختل شد و دولت انگلستان را با بحرانهای جدی قاره ای مواجه کرد. اتحادیه های کارگری و کارکنان دولت، اعلام کرد که اعتصاب حدود ۸۰٪ موفق و نتیجه بخش بوده است. ضمنا کارمندان مراکز کامپیوتری و شبکه های دفاعی انگلیس نیز در تاریخ ۲۱/۱۲/۵۹ دست به اعتصاب زدند.

ایتالیا:

بحران اقتصادی، اخراج ها، اعتصابات کارگری.

ایتالیا در هفته های اخیر در اشکال وسیعتری وارد بحران اقتصادی شد. این بحرانها بویژه در صنایع اتومبیل سازی فیات که منجر به اخراج کارگران زیادی شد، در پی خود، حرکات اعتراضی کارگران را از قبیل اعتصاب راه پیمائی و اشغال بعضی مناطق، برانگیخت.

اتومبیل سازی فیات:

در حالی که از ماه اکتبر گذشته ۲۳ هزار کارگر همچنان بیکارند، دهها هزار کارگر دیگر نیز به صندوق بیکاری معرفی شدند. این امر بحران شدید و بی سابقه ای صنایع اتومبیل سازی فیات را نشان میدهد. مدیران فیات گفته اند در یک چنین شرایط بحرانی، نه تنها نمیتوان سخنی از بازگشت این کارگران به میان آورد، بلکه خانه نشین شدن آنها در ماههای آینده نیز اجتناب ناپذیر است.

راه پیمائی و اعتصاب

علیه اخراج کارگران.

* روز ۱۷ ژانویه ۱۹۸۱، کارگران "سیه لته" بقیه در صفحه ۱۴

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

بقیه از صفحه ۱۳
بزرگترین شرکت تاسیسات تلفن ،
علیه اخراج ۲۲۰ تن از کارگران شرکت
"کاتانیا" و "مسینا" ، در مر راهپیمایی
کردند .

اشغال ۷ ساعته ایستگاه راه آهن رم - جنوا - پیزا .

کارگران روز مزد شرکت ماکارز
وابسته به بنیاد کشاورزی ایری با طرز
مخالفت با انحلال شرکت و خشمگین از
وعده های انجام نشده ، راه آهن رم - پیزا -
جنوا را اشغال کرده و از حرکت قطارها
جلوگیری نمودند . این اقدام در پی
یک تصمیم جمعی در جلسه کارگران
روز مزد در تاریخ ۹ فوریه اتخاذ شد .
کارگران پس از ۷ ساعت موفق به
دریافت تضمین کافی از سوی دولت
برای جلوگیری از انحلال شرکت (که
به بهانه عدم سودآوری قرار بود در
تاریخ ۴ مارس انجام گیرد) شدند .

* کارگران "مونتهدیسون" نیز
روز ۱۷ ژانویه ۸۱ - بعنوان اعتراض
به اخراج ۹۸ کارگر وابسته به
اتحادیه ، به یک اعتصاب ۴ ساعته دست
زدند . طبق آخرین خبر در لوموند ،
۱۲ هزار تن از ۵۷ هزار تن کارگرایین
کارخانه اخراج شده اند .

* در هفته گذشته سه هزار تن از
کارگران کارخانه زانوسی "درپور
دنونه" به طور محدودا اعتصاب کردند .
کارگران اعتصابی به اخراج ۳۲ هزار
کارگر از بخشهای مختلف صنایع
ایتالیا ، اعتراض داشتند .

* بخشی از کارخانه فیسات ،
"کاسینو" ، برای بیرون رفتن از
بحران ، تمامی کارگران را به مدت
۵ روز از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ آوریل ، بیکار
می کند .

نظام سرمایه داری علاوه بر استثمار
کارگران و مکیدن شیره جان آنها ،
همواره سلامتی و تندرستی آنان را نیز
در معرض انواع و اقسام امراض و
خطرات جانی ناشی از محیط کار ،
قرار می دهد ، هر روز دز سراسر جهان
کارگران زیادی بر اثر کارهای سخت و
توان فرسا و فقدان وسایل ایمنی و
بهداشت مناسب ، به بیماریهای مزمن
نقص عضو ، و مرگ و میر دچار میشوند .

اخیرا "اتحادیه کارگری F.O.N ایتالیا ،
آماري از سوانح و ابتلائی که
کارگران را تهدید می کند منتشر کرده
است . این آمار بخوبی فجایع نظام
سرمایه داری و ظلم و ستمی را که
به کارگران وارد می شود نشان میدهد .
در کارخانه فیات تورین بزرگترین
کارخانه ایتالیا ، سه میلیون و ۱۵۰
هزار کارگر در معرض انواع و اقسام
بیماریها قرار دارند ، از جمله سرطان ،
همچنین گردش ۲۸ هزار تن کارگر
شاغل در بخشهای پرس و صدا را تهدید
می کند .

۲۴۵۰ تن که در بخش سلیکات کار می کنند
در معرض خطر قرار دارند .
۱۸۸۰ کارگر که در محیط های آلوده به

جنبش جهانی

دودو غبار کار می کنند بیماری "برنشیت"
و عوارض تنفسی تهدیدشان می کند .
همین بررسی در بسیاری از واحدهای
صنعتی در "پیه مونته" نیز صادق است .
۵ هزار کارگر در معرض ابتلا به مرض
سرطان .

۴۸ هزار تن در معرض کرشدن به دلیل سر
و صدا .
۶۷ هزار کارگر را بیماریهای تنفسی و
تنگی نفس تهدید می کند .
۷۵۰۰ تن در معرض بیماریهای ناشی از
سلیکات هستند .

اعتصاب عمومی

در فلسطین اشغالی .

از سوی سازمانهای محلی
فلسطینی ، اعلام شد که از تاریخ ۱۰
مارس (۱۹ اسفند) یک موج اعتصاب
عمومی به نشانه "همبستگی با ۷۰۰۰ -
معلم که از تاریخ ۱۴ دسامبر (۲۳ آذر) در
اعتصاب بسر می برند ، آغاز خواهد شد .
اعلام کنندگان این خبر از سازمانهای
بین المللی تقاضای همبستگی و یاری
کرده اند . آخرین اعتصابات از این
نوع در بهار سال ۱۹۷۹ (بهار ۵۸) انجام
گرفت که منجر به دخالت ارتش اسرائیل
شد .

اسپانیا باسک :

در پی مرگ یکی از رهبران کارگری
عضو E.T.A در باسک بر اثر شکنجه ،
یک اعتصاب عمومی سازمان یافتند
باسک را در بر گرفت همچنین در
اعتراض به قتل کارگر مزدور که در
مادرید دستگیر و شکنجه شده بود ،
تظاهراتی انجام شد ، این حرکات و
اعتراضات ، علیه قدرت مرکزی و
پلیس و به پشتیبانی از E.T.A جهش
گیری شد .

فرانسه :

افزایش خودکشی بر اثر بیکاری .

تعداد بیکاران زیر ۲۵ سال فرانسه
در عرض یکسال از ۶۰۷ هزار تن به ۶۹۲ -
هزار تن افزایش یافته است . همچنین ،
خودکشی در میان جوانان زیر ۳۰ سال
که از شدت بیکاری و بی آمدهای ناشی
از آن رنج می برند ، بالا گرفته است .

السا السوادور :

مبارزه مسلحانه خلق السوادور و
پیشاپیش آنها چریکهای انقلابی ،
پرتوان و بیروزمندان در جهشت

سرنوشتی حکومت دیکتاتور و وابسته
به امپریالیسم در این کشور ادامه
دارد . چریکهای مبارز و انقلابی که
حمایت وسیع خلق را به همراه دارند ،
هر روز در مبارزات بی وقفه و خونبار
خود ، ضربات کاری و موثری بر پیکر
پوسیده امپریالیسم و پایگاههای
آن وارد می آورند و موفقیت های کسب
می کنند .

از آغاز سال ۱۹۸۱ تا کنون ۳۰۰ نفر در
ال سالوادور به قتل رسیده اند .
در هفته اخیر چریکها با بمب و گلوله
به بانکها ، باشگاههای نظامی و دیگر
تاسیسات و نهادهای دولتی حملات
کرده اند .

همچنین چریکها در حمله ای به مواضع
دولتی در یک دهکده در ۸۸ کیلومتری
پایتخت قتل ... را داشتند
ضربات شدیدی به نیروهای دولتی
وارد آوردند . جبهه آزادیبخش
"فارا بوندومارتی" نیز شهر مهم
استراتژیک "چالانتگو" را محاصره
خود در آورده و کنترل کامل شهرستان لورنترو
را در ۷۰ کیلومتری سان سالوادور به
دست گرفتند .

جوخه های مرگ راستگرایان
تروریست های ضد انقلابی هستند که با
طرح و نقشه امپریالیسم و وابستگان
داخلی اش ، زمینداران و سرمایه داران
بزرگ در سالوادور بوجود آمده اند .
با گسترش فعالیت چریکهای انقلابی ،
اخیرا "این جوخه های مرگ" ، "انتقام
جوشی های" سیعانه ای به راه انداخته اند .
آنها افراد مظنون به چپ بودن را از خانه
بیرون می کشند و اعدا شان می کنند و سر
روی جسد آنها علامت جوخه خود را نقش
می زنند .

۴ عجد در حومه سن سالوادور پیدا شده
است . بنا به اظهار سخنگوی نیروهای
انقلابی ، کشته شدگان احتمالا
کسانی هستند که مقررات منع عبور و
مرور شبانه را رعایت نکرده اند ، یا
قربانی جوخه مرگ راستگرایان
شده اند .

سربازان حکومت نظامی دستور
دارند به سوی هر کسی که پس از ساعت
غشب ظاهر شود تیراندازی کنند .

همکاری رژیم صهیونیستی

بار رژیم فاشیست السوادور .

بنا بر گزارش خبرگزاری فلسطینی
وفا ، چهار صد افسر رژیم صهیونیستی در
حال حاضر با رژیم فاشیستی السوادور
در جهت سرکوبی جنبش انقلابی خلق
این کشور همکاری و مشاورت دارند .
این مسئله که توسط جبهه
دموکراتیک انقلابی السوادور تأیید
شده است ، بر اساس گزارش خبرگزاری
وفا ، این امر از توافق نام
امریکا و رژیم فاشیست السوادور
ناشی میشود .

رژیم جمهوری اسلامی بدهی فئودالها را از دهقانان میگیرد!

دولت جمهوری اسلامی علاوه بر لغو بند "ح" قانون زمینداری اصلاحات ارضی، که اعلام رسمی دفاع از زمینداران بزرگ است، تلاش می‌کند تا زمین‌هایی را که دهقانان زحمتکش طی دو سال بعد از قیام معادله انقلابی کرده‌اند، باز پس بگیرد و در اختیار مالکین خود بخوار و غارتگر بگذارد. حکومت برای رسیدن به این نیت ضد انقلابی، دهقانان ستمدیده را در مضیقه قرار میدهد، وسایل و ابزار کشت و کار در اختیار آنان نمی‌گذارد، مالیاتها و پولهای کزاف از آنها میگیرد و بدهی آنها را در قالب مختلف آنها را تحت فشار می‌گذارد تا ناچار شوند زمین خود را بدهند. اکنون فئودالها با حمایت دولت، مستقیماً و بی‌ساز و برگ ۳ و یکریو بیندوا حکام "دادگاههای انقلاب اسلامی" تیر زمینهای معادله‌ای را از دهقانان گرفته‌اند. سال گذشته زحمتکشان روستای باز کیا کوراب از توابع لاهیجان، با تشکیل شورائی، زمینهای باغ‌های چند تن از زمینداران بزرگ را بین خود تقسیم کردند. در همان بدو عمل انقلابی دهقانان، ژاندارم‌ها از سوی حاکم شرع لاهیجان به سراغ دهقانان آمدند تا زمین‌ها را از آنها پس بگیرند، اما مقاومت یکبارچه روستائیان زحمتکش، موجب شد که ژاندارم‌ها عقب‌نشینی کنند. زمین‌ها توسط دهقانان گاشنه‌شده دهقانان محصول را برداشت کردند و به کارخانه بردند، اما در کارخانه دفترچه چند تن از آنان توسط فرمانداری ضبط شد. و اره‌ساز دهقان ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان برای باز برداخت وامی که زمینداران قبلاً از بانکها گرفته بودند، طلب کردند. این عمل فرمانداری که بسیار نگرما هستت حکومت جمهوری اسلامی است، باعث شد که امسال تنها ۵٪ از روستائیان اقدام به کاشت زمین‌ها کنند، و اکثر آنها از اینکه می‌باید زمین را کاشت می‌کارند توسط حکومت گرفته شود، زمین‌ها را آماده کشت نگردانند. این امر موجب فقر و فلاکت بیش از پیش روستائیان شد. و زمینهای فراهیم می‌آید تا زمینداران بتوانند، به بهانه عدم کشت زمین و بی‌فایده ماندن آن، دوباره بحال خود را در زمین و زندگی دهقانان ستمدیده فروکنند.

فئودالها با حمایت رژیم علیه دهقانان توطئه می‌کنند.

سرسپرده مزبور نیز ۱۴۰ هکتار بقیه‌ی زمین را در دست دارد. و مدام سعی دارد که با حمایت رژیم جمهوری اسلامی مقدار زمین‌های را که توسط دهقانان صادره شده‌است از آنها باز پس بگیرد، این فئودال خونخوار که در رژیم گذشته همواره از حمایت شاهپور غلامرضا برخوردار بوده، اکنون زیر حمایت رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و از دادگستری منطقه‌ای خطا ریه‌ای بنام دهقانان روستای مگام گرفته‌است تا زمینها را از آنها بگیرد. اما اکنون دهقانان در برابر خطا ریه‌ای دادگستری و توطئه‌ها و اقدامات فئودال سرسپرده، با اتحاد و همبستگی مقاومت کرده‌اند و مصمم هستند که زمینهای صادره‌ای را در اختیار خود نگه دارند.

فئودالهایی که با معادله‌ی انقلابی زمین توسط دهقانان ضربه‌های سختی خورده بودند، مدت‌هاست که با اتکاء به رژیم جمهوری اسلامی جان کفرته و مرتب در صدد توطئه‌چینی و اقداماتی هستند تا زمینها را از دهقانان محروم باز پس بگیرند. روستای "مگام" رضوانشهر که برونج محصول عمده آن است و عده‌ای نیز از طریق باغداری مزارع معاش می‌کنند، بعد از قیام شاهد تحولات و حرکت‌های انقلابی دهقانان بوده‌است. زحمتکشان این روستا بعد از قیام با تشکیل شورای دهقانی چهل هکتار از زمینهای "محمد هوشنگ خان حواهر دستي" فئودال بزرگ روستا را صادره کردند. دهقانان زحمتکش با برنام‌های منظم و خاص به کشت و کار زمینهای صادره‌ای پرداختند. فئودال

شهردار شاهین شهر در برابر اعتصاب رفتگران عقب‌نشینی کرد

زباله و آشغال شهر را فرا گرفته و بهداشت شهر را با خطری جدی روبرو می‌کرد و اعتراض مردم (در حمایت کارگران) هر روز بیشتر می‌شد. شهردار موافقت کرد که حقوق یکماه آنها را بلافاصله بپردازد. و بقیه حقوق عقب افتاده رفتگران را نیز تا پایان ماه بعد بدهد. کارگران که موفقیتی نسبی بدست آورده بودند اعتصاب را شکستند و به شهرداری گوشزد کردند که اگر طی مدت تعیین شده حقوق عقب افتاده‌شان پرداخت نشود مجدداً اعتصاب می‌کنند.

کارگران شهرداری (رفتگران) شاهین شهر اصعبان موفق شدند با اعتصابی هشت روزه، حقوق عقب افتاده خود را بگیرند. این کارگران تا قبل از قیام روز مزد بودند و بعد از قیام که اداره عمران شاهین شهر بدست بنیاد افتاد با استخدام شهرداری درآمدنا مدار - این دو سال - دست اندر کاران شهرداری، برای اینکه کارگران را بیمه نکنند، هر سه ماه یکبار، آنها را اخراج کرده و دوباره اسخدا مشان میکنند، کارگران زحمتکش که برای گرفتن سه ماه حقوق عقب افتاده خود دست به اعتصاب زدند، با مسئولین شهرداری نیز تماس گرفتند ولی جواب شنیدند که "بما مربوط نیست و مسئولیت شما بعهده عمران است." همین جواب را عمران هم به آنها دادند علاوه بر آن پاسخ داده شد که ما به رفتگران احتیاج نداریم. کارگران دوباره به شهرداری مراجعه کردند، این بار مسئولین به آنها گفتند "چون حقوق شما از محل مالیاتهای مردم تامین میشود و در این شرایط مردم مالیات نمیدهند برای شما حقوقی منظور نمیشود. مسئولان با سر دواندن کارگران میخواستند از پرداخت حقوق کارگران طفره برونند اما از یکطرف با مقاومت کارگران - روبرو شدند و از طرف دیگر بوی تعفن

رفقا و هواداران!

چون سازمان میخواهد زندگیمان فدائی‌ها را منتشر کند، از کلیه رفقا و همه هواداران (بخصوص خانواده‌ها، رفقای شهید) میخواهد که هر گونه نوشته - خاطره - عکس و اثری که از رفقای شهید سازمان در اختیار دارند، آنرا هر چه سریعتر برای ما بفرستند. رفقای که با خانواده شهیدان سازمان آشنائی نسبی دارند، بیشتر از همه باید با این امر همکاری رسانند.

برور ساید

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲۵

(آلمان) به هیچ وجه نمیتوانست از خود دفاع کند مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح کرده و در سازمانی فعال متشکل کند. اما پاریس مسلح معنایش انقلاب مسلحانه کارگران بود. پیروزی پاریس بر آلمان متجاوز یعنی پیروزی طبقه کارگر فرانسوی بر سرمایه داران و انگلیسهای دولتی بود. در این کشمکش بین و نلیفه ملی و منافع طبقاتی "حکومت دفاع ملی" برای آنکه خود را به حکومت خیانت ملی بدل کند حتی لحظه ای هم درنگ نکرد. تیپیکه اندکی قبل از ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ از طرف مالکان بزرگ و بورژوازی و سلطنت طلبان در یک مجمع ملی در رأس دولت بورژوازی قرار گرفته بود بعد از رسیدن به قدرت قرارداد صلح با پروس را به امضاء رساند و طبق آن الزام و لورن به پروس تعلق گرفت و مبلغ ۵ میلیارد فرانک بعنوان غرامت جنگی به آلمان پرداخت گردید. بعد از آن تیپیکه خیال راحت همه نیروی نظامی اش را برای حمله به پروتاریای مسلح پاریس بسیج نمود. پاریس مسلح تنها مانع جدی بر سر راه توطئه ضد انقلابی تیپ بود. پس پاریس میباید خلع سلاح میشد. کار دملی که به طبقه کارگر ملحق شده بود مجبزه توپخانه بود. پس گرفتن توپخانه از دست کار دملی نمیتوانست مقدمه ای برای خلع سلاح پاریس باشد. از این رو کرجه در معاهده صلح، توپخانه متعلق به کار دملی عنوان شده بود ولی تیپ بدروغ آنرا مالک دولت قلمداد کرد و برای تصاحب آن شبانه چندهنگ را به مون مارتر فرستاد تا کار دملی را خلع سلاح کرده توپخانه اش را ضبط کند. اما تلاش آنها با مقاومت کار دملی مواجه شد. در اینجا کارگران روز همگنان پاریس یا میبایستی به دستورات دولت یعنی خلع سلاح تن در میدادند که این به معنی نابودی انقلاب فرانسه بود و یا باید به حرکت انقلابی یعنی واژگونی حکومت بورژوازی مبادرت ورزیده و انقلاب فرانسه را تداوم میبخشیدند. پاریس راه دوم را سرگزید. پاریس که در نتیجه پنج ماه گرسنگی و قحطی نحیف شده بود لحظه ای هم تردید نکرد. طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس مصمم شدند تا تمام عواقب مقاومت را در مقابل توطئه گران فرانسوی و توپهای پروس که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود، بخود بخرند.

در روز ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی کار دملی، ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی تیپ را عقب رانده، تیپ مون مارتر را به تصرف در آوردند. کارگران همچنین در نبردی مسلحانه نقاط حساس شهر را تصرف کرده و بر فراز شهرداری پرچم سرخ حکومت پرولتری را برای اولین بار به اهتزاز در آوردند. دولت بورژوازی که شکست خورده بود به ورسای گریخت. پس از آن در شهرهای دیگر فرانسه چون لیون تولوز، پسر بیکنان، کرسوت نیز دولت کارگری تشکیل شد.

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

کمون نه تنها شکل سلطنتی تسلط طبقاتی را تغییر داد و به جمهوری بدل نمود بلکه تسلط طبقاتی را از بین برد. دائمی و جانشین کردن آن با ارتشی از خلق مسلح بود. پس از آن نوبت به براندازی سیستم بروکراتیک رسید. کمون دستگاه اداری بورژوازی را درهم شکست، قوه مجریه و مقننه را در شورای کمون که وظیفه اداره امور دولت را بر عهده داشت ادغام کرد. کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمیتواند دستگاه موجود دولتی را بدست گرفته و آنرا برای اجسرای مقاصد خود ب حرکت در آورد بلکه باید ماشین بروکراتیک و نظامی دولتی را خرد کند و دولتی جدید از طراز کمون را جایگزین آن سازد. این نیز امکان پذیر نبود جزا از طریق انقلاب قهرآمیز نابودی دولت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا. کمون پاریس جواب عینی و مشخصی به این سؤال که چه چیزی باید جانشین ماشین خرد شده دولتی شود داد. چیزی که در سال ۱۸۴۷ در مانیفست کمونیست توسط مارکس مطرح شده بود. کمون بجای ماشین دولتی خرد شده دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار نمود که عبارت بود از نیروی مسلح توده ای و انتخابی بودن کامل و قابل تعویض همه صاحب منصبان. کمون تسلیح عمومی خلق را جانشین ارتش بورژوازی، این ابزار بلا راد دولت بورژوازی کرد. دستگاه بروکراتیک اداری را از بین برد و دموکراسی دروغین بورژوازی را به دموکراسی واقعی پرولتری تبدیل کرد. کمون نظام فربیکاریا رلمانی بورژوازی را منحل کرد و در عوض ده کمیسیون کار بوجود آورد. هر مسئله ای بطور دمکراتیک در یکی از شورای دهگانه کمون مطرح و مورد بحث قرار میگرفت و بعد تصمیمات اتخاذ شده در شورای مرکزی کمون جمع بندی و با اجرا گذاشته میشد. بدین ترتیب کمون یک ارکان پارلمانی نبود بلکه یک ارکان قانونگذاری و اجرایی و اجتماعی بود. لنین در این باره می نویسد: "اهمیت کمون عبارت از کوششی بود که برای ازمایش پاشیدن دستگاه حکومتی و سازمان اداری، فضائی، نظامی و پلیسی بعمل آورده و سعی کرده بود که آنرا از بیخ و بن بر کند و یک تشکیلات خودمختار توده ای را - که تفکیک قوه مقننه از قوه مجریه برایش معنائی نداشت. جانشین آن سازد. کمون همچنین تمام مناصب اداری، قضائی و آموزشی را از طریق آراء عمومی مردم به مسئولین سپرد. در این سیستم مردم میتوانند در هر زمان مسئولین را منقض کنند. حقوق سالیانه افرادی که دارای مشاغل اداری بودند ۶۰۰ فرانک بود،

این مبلغ برابر دستمزد یک ماهی بود.

پلیس بجای آنکه عامل حکومت مرکزی باشد از اختیارات سیاسی اش محروم شد و به عامل کمون که در هر لحظه قابل عزل بود تبدیل گردید.

پس از حذف ارتش دائمی پلیس که عامل قهریه مادی حکومت بودند، کمون بفکر درهم شکستن نیروی معنوی سرکوب یعنی "قدرت کشیشان" از طریق تفکیک کلیسا از دولت افتاد. درهای تمام موسسات آموزشی مجانا "به روی خلق باز شد و این موسسات از زیر نفوذ کلیسا رها گردید. کمون با وجود کوتاه بودن طول حیاتش موفق به انجام اقداماتی در زمینه بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان شد. کارشبانها شاگردان آنها را ممنوع اعلام کرد. کارگاهها و کارخانه هایی که کارشان متوقف شده یا صاحبان گریخته بودند در اختیار اتحادیه های تعاونی کارگری قرار گرفته کارفرمایان از جریمه کردن با کسر مبلغی از دستمزد برای ایام بگیری منع شدند. کمون همچنین و دیعه اشخاص تنگدست در بانکها را به آنها پس داد و مدت بساز پرداخت دیون و اجاره ها را تمدید کرد. کمون کرجه دستاوردهای گرانقدری را در جنبش کمونیستی از خود بجای نهاد اما به علت اشتباهاتی که بخاطر نریا بودن و بی تجربگی جنبش که رنجیستی و کارگری در جهان داشت، پرولتاریای فرانسه را در نیمه راه متوقف کرد. کمون پاریس عمدتاً توسط بلانکیستها و پرودونئیستها که هیچکدام به سویالیسم علمی مجهز نبودند رهبری میشد.

مارکس اشتباهات وضعفهای رهبران کمون را بدرستی بررسی و انتقاد کرد ولی با وجود تمام این اشتباهات به همکاری صمیمانه و نزدیک خود با کمون ادامه داد. لنین در همین باره می نویسد: "مارکس رهبران را از یک قیام زودرس بر حذر میداشت ولی برای شیردلان پرولتاریا یک مشاور عملی بود. یک شرکت کننده در نبردهای توده ها بود، توده هایی که بدون اعتناء به تئوریهای غلط و اشتباهات بلانکی و پرودون تمام جنبش را به مرحله بالاتری ارتقاء دادند.

..... مارکس در سپتامبر ۱۸۷۰ قیام را یک جنون می نامید ولی وقتی توده ها قیام میکنند مارکس مسخو اهدبا آنها همگام بشود و همراه با آنها از جریان مبارزه تعلیم بگیرد. (لنین در باره نامه های مارکس به کولمان ۱۸۷۷)

کمون که توانست به انقلاب مسلحانه و یکمک قهر انقلابی توده ها دولست و بورژوازی را به عقب نشینی وادار کند و قدرت را در پاریس بدست آورد با بسط بوسیله اسلحه از شهر پیروزیش دفاع میکرد و انقلاب را تا به آخر میرساند. اما با حمله نکردن به ورسای که در آن زمان بی دفاع بود مرتکب اشتباه غیر قابل جبران شد و دست تیپ و عواملش را برای هرگونه توطئه و بازسازی نیروی ضد انقلابیشان باز گذاشت. این اشتباه از ناحیه رهبری در حالس

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس .. سیه از صفحه ۱۶

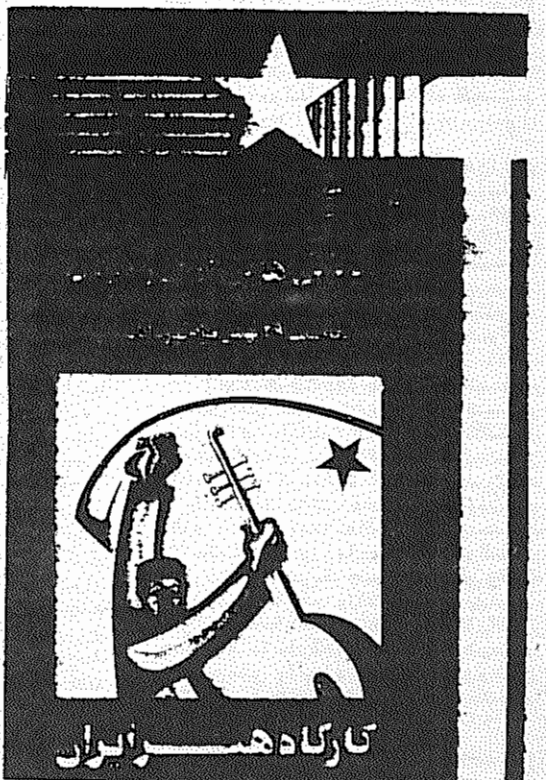


درگیریهای اخیر لاهیجان

بقیه از صفحه ۲۰

بعد از ظهر با سداران مراجعت کردند و از مردم خواستند متفرق شوند. سپس دست به تیراندازی زدند. وضع شهر بکلی تغییر میکند، همه به خیابانهای میریزند، مردم در خانهها را بازمیکند، آشنند تا کسی نیکه از جنگ پاسداران و یا از تیررس آنها میگریختند خود را مخفی کنند. تیراندازی پاسداران و مقاومت مردم، مدتی ادامه مییابد. در این روزها زده نفر مجروح میشوند. صبح روز جمعه پاسداران مجدداً به اجتماع مردم در خیابان بازار حمله میکنند. آنان که از گسترش دامنه مبارزات مردم، سخت وحشت زده شده بودند دوباره شروع به تیراندازی میکنند. یک دختر پانزده ساله بنام سیماسباغ و پیرمردی بنام پور میرزائی شهید میشوند. دو نفر نیز مجروح میگردند. فردای آنروز جنازه شهدا دفن میشوند. شهر حالت خفقان زده و مضطرب پیدا میکند، جاه لاهیجان - لنگرود و لاهیجان - رشت بزرگترین پاسداران میروند، آنها اتومبیلها را با زرسی و افراد را با جونی میکنند. عمرا این روز تعدادی از مغازه داران را مجبور میکنند، مغازههایشان را باز کنند و بقیه را نیز تهدید به آتش زدن مغازهها میکنند. اقدامات ضد مردمی و سرکوبگرانه پاسداران و باندهای چماق دار روسپس دروغهایی که در این رابطه توسط رادیو و تلویزیون منتشر گردید خشم و نزار شدید عمومی را در شهر لاهیجان برانگیخت.

کارگاه هنر ایران در اشاعه هنر انقلابی
تقدیم می کند



(لنین به مناسبت چهلمین سالگشت (۱۹۱۱ کمون)
بورژوازی فرانسه به رهبری تییر تا زمانیکه پرچم سرخ پرولتاریا بر فراز شهر پاریس در اهتزاز بود خواب راحتی نداشت. تییر با نداشت که برای سرکوب پرولتاریا شرایط دولت پروس را برای تسلیم بپذیرد. و در این هنگام بود که بیسمارک صدراعظم پروس بمنظور تکمیل ارتش ارتجاعی تییر حدود صد هزار نفر از سربازان ارتش امپراتوری فرانسه را که اسیر ارتش پروس شده بودند، آزاد کرد. و سرانجام زمانی که تییر از پشتیبانی ارتش پروس مطمئن شد فریاد برآورد: "من قانون بدست وارد پاریس خواهم شد." و بدنبال آن ژنرالهای بناپارتنی، این رجاله های ورسای در ۲۱ مه به کمک حاسوسانی که قبلاً به شهر نفوذ کرده بودند وارد شهر پاریس شدند و کشت و کشتار و کشتار راه انداختند که تا آنوقت پاریس هرگز شاهد آن نبود.
هفته خونینی بود که جهان را تکان داد. طبقه کارگر و تمام مردم پاریس از زن و مرد، پیر و جوان همه بدون اینکه لحظه ای به مرگ بیاندیشند برای دفاع از دولت انقلابیشان یعنی کمون پاریس دلورانه نبرد کردند. روز ۲۷ مه گروهی از کموناردهای پاریس از قبرستان پرلاشدر مقابل دشمنی که از نظر کمیت ده مرتبه بر آنها برتری داشت مقاومت کردند و هنگامی که مهاجمان تمام شدت آخرین لحظه با سرنیزه تفنگهایشان به جنگ تن به تن ادامه دادند و همگی در همان قبرستان شهید شدند و حتی یک نفر نیز تسلیم دشمن نگردید.
پاریس مجموعاً ۲۳ هزار نفر از فرزندان دلیرو قهرمان خود را از دست داد. امروزه تنها کارگران فرانسه بلکه پرولتاریای جهان یا در زندگان کمون را گرامی میدارند زیرا کمون تنها برای یک وظیفه ملی نجات کمون برای رهایی کلیه زحمتکشان جهان نبرد کرد. امر کمون امر انقلاب اجتماعی، امر رهایی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان و امر پرولتاریای جهانی است. و با این مفهوم کمون فنا پذیر است.

صورت گرفت که توده های کارگر و کارگر ملی کمون خواستار حمله به ورسای بودند. همین تردیدها به ضرر انقلابیون فرصت داد تا قوای خود را منظم کرده و سرانجام کمون را به خاک و خون کشند.
اشتباه دیگر کمون این بود که ضد انقلابیونی که بطور مخفی در پاریس فعالیت میکردند و اطلاعات را به ورسای منتقل میکردند سرکوب نشدند و با آنان مجال توطئه و جاسوسی به نفع بورژوازی ورسای داده شد.
اشتباه دیگر ملی نگردن بانک فرانسه بودیچای آنکه طبقه کارگر از منابع مالی بانک برای پیشبرد امر انقلاب استفاده نماید و از دست انستدازی بورژوازی بر آن جلوگیری کند، بر عکس پرودون نیست ها که با ملی شدن بانک مخالفت میکردند حتی اجازه دادند مقدار قابل ملاحظه ای پول در اختیار ضد انقلابیون ورسای قرار گیرد. تییر و عمالش با این پول توانستند مخارج حمله به پاریس را تأمین کنند. یکی از عواملی که نتوانستند در موفقیت کمون موثرانند این بود که طبقه کارگر با زحمتکشان شهر و روستا و بیوزده دهقانان متحد نشدند. با اینکه یکی از دلایل پیروزی کمون در بینه قدرت رسیدن پیوند اتحادی بسا خرده بورژوازی پایتخت بود، بر عکس یکی از دلایل شکستش نیز عدم امکان تماس با دهقانان سراسر کشور و جلب حمایت آنها بود.
لنین در جمع بندی که از کمون بدست میدهد چنین مینویسد: "وظیفه واقعی آنکه کمون باید انجام میداد، قبل از هر چیز عبارت از آن بود که دیکتاتوری دموکراتیک (کارگران و دهقانان) و نه آنکه دیکتاتوری سوسیالیستی را تحقق بخشد... زیرا بنظر لنین انقلاب پیروز مندا اجتماعی لااقل مستلزم دو پیش شرط میباشد: تکامل نیروهای مولده باید به سطح بالائی رسیده باشد و پرولتاریا باید آماده شده باشد. ولی در ۱۸۷۱ این دو پیش شرط موجود نبودند. سرمایه داری فرانسه هنوز رشدنا چیزی داشت و فرانسه در آن زمان یک کشور خرده بورژوازی بود (سرزمین پیشه وران، دهقانان و خرده فروشان و غیره). از طرف دیگر یک حزب طبقه کارگر وجود نداشت."

بررسی اوضاع سیاسی

بقیه از صفحه ۲۰

در تهران، کیلان و ما زندران، اسفهان و شهرهای خراسان حوادث مهمی روی داده و مستأجابا روی می دهد. در شهرهای مراکز صنعتی علاوه بر درگیریهای خشونت بار سیاسی، مبارزه اقتصادی و صنعتی سیاسی کارگران رشد و گسترش یافته و وارد مرحله جدیدی میگردد. در مناطق غربی، کشور و خوزستان جنگ شدت ادامه دارد. هر روز تعدادی از توده های مردم کشته میشوند. جنگ همچنان ویرانی به پا میکند و بدنبال خود گرسنگی، فقر، بی خانمانی، قحطی و بیماری با رمان می آید. در کردستان مبارزه دلاورانه خلق کرد برای کسب حقوق ملی و دموکراتیک همچنان به پیش می رود. در سیستان و بلوچستان تظاهرات گوناگون سیاسی در هم آمیخته و بدرجای رسیده که منطقه آبستن انفجارهای بزرگ و درگیریهای مسلحانه گشته است.

تظاهرات دوجناخ اصلی حاکمیت یا بهتراست مشخص تر بگوئیم درگیری میان رئیس جمهور و دولت مردان حزب جمهوری اسلامی بمرحله برخورد های خشونت آمیز رسیده و شیراز زده سنگسار دولت از هم گسیخته و دست میگردد. نیروهای سرکوبگر رژیم، ارتش، سپاه پاسداران و کمیته ها تحت تاثیر تضادهای فوق بیش از پیش انسجام مدرونی خود را از دست میدهند. هر چه موج و عدم ثبات در هر جای دستگاه اداری و بوروکراتیک دولت بچشم میخورد همه اینها فاکتورهای واقعی است که به نگر شدت بحران و درجه و خاصیت اوضاعی است که ما در آن بسر می بریم. خصوصیات عینی و اصلی وضعیت کنونی چیست؟

در نتیجه بحران اقتصادی موجود و فقر قریب العاده طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بتدریج موج از مبارزات اقتصادی توده ها و بویژه طبقه کارگر در حال پاک رفتن است. هم اکنون در اکثر واحدهای بزرگ صنعتی نظیر کفش ملی، بنز و گاز، شیشه و گاز، واحدهای گاز و پتروشیمی جنوب کارگران بسیاری خواهستهای صنفی و بهبود شرایط زندگی خود است با عتاب و تمس زده اند. همه شواهد گویای این مطلب است که توموم بیگاری و کاران در باغی بسیمار و خشن کتایر افزایش خود اندیضا فت و مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در آینه های منتهای چندین دوره به یک جنبش سراسری مبدل خواهد شد. تلاشهای همه جا شبه سرما به داران و تجار منجر به شده است که آنها به قیمت گرسنگی و فقر و فلاکت توده ها و نیز ورشکستگی بسیاری، زتولینند کنندگان و توزیع کنندگان خرده پا، به دشمنی خود افزوده و با تکیه بر امکانات و راههای که دولت برای سودجویی آنان در پیش رویان قرار داده است سودهای هنگفتی را به چنگ آورده و می آورند. بخش مهمی از شمار بزرگ بازاری که به گرد کمیتها مورصافی جمع شده اند بنا بر حمایت از دولت رجا جی اکثر رشته های مربوط به تجارت خارجی و داخلی را در دست گرفته و سودهای بسیار شخ بیش از مدد در باسوی خود سرازیر کرده اند. آنها تاکنون توانسته اند زیر چتر شعارهای ضد امپریالیستی و مکتبی سرما بهای خود را به چندین برابر سرمایه افزایش دهند. زمینداران بزرگ از "دولت سر" رهبران حزب جمهوری اسلامی با مراجع مرتجع مذهبی و لیبرالها که حتی با اجرای بند "ج" مخالفت ورزیده اند، خود را در مقابل دهقانان مشکل ساخت و کوشش میکنند با تکیه بر نیروهای مسلح دولتی و غیردولتی از رشد و گسترش مبارزات دهقانی جلوگیری بعمل آورند.

مبارزه حق طلبانه را سرکوب و بسا منحرف نمایند. اکنون توده های مردم تجربیاتی بدست آورده اند که تبلیغات کهنه شده حزب نمی توان چندین موثر واقع شوند. از سوی دیگر روند رشد دموکراتیک در میان طبقات انقلابی جامعه بسرعت تکامل می یابد. توده ها هر روز در باغی وسیع تر برای دموکراسی و آزادی مبارزه بر می خیزند. در نتیجه حزب جمهوری اسلامی آشکارا و بطور رسمی در تبلیغات خود از با تدهای سیاه و چماق داران حمایت فعال میکند. بیش از پیش در میان توده ها منفور میشود. امروزه ما در همه جا شاهد آن هستیم که حزب جمهوری اسلامی و دولت رجا جی با دشمنی یک نسبت به هر نوع دموکراسی از خودشان میدهند نفرت و انزجار توده ها را بر می انگیزد. مطالبه و سرورسی حرکات توده ای خیر بوضوح نشان میدهد که خواستها و نیازهای دموکراتیک بطور وسیعی در میان توده ها تعمیق یافته و با زهم بیشتر تعمیق خواهد یافت.

اینک بطور مداوم بر میزان تظاهرات و حرکت های اعتراضی مردم در رابطه با آزادیهای سیاسی و تامین حقوق اجتماعی افزوده می شود. تجربه و پیرایه سیاسی بخوبی نشان میدهد که مسایل مربوط به آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک رفته رفته به مساله اساسی زندگی و مبارزه توده ها تبدیل میشود. این وضع اگرچه تا حدودی راه را برای فعالیت آزادانه کمونیستها و نیروهای مترقی و انقلابی باز میکند اما از یک نظر خطر بزرگتری را در خود می پروراند زیرا وضع کنونی بیشتر مناسبی برای رشد لیبرالها پدید آورده است. لیبرالها که در شرایط کنونی عملا متحدین قابل اعتماد و مطلوب امپریالیسم بشمار میروند کوشش میکنند بر خصلت ضد امپریالیستی انقلاب سرپوششها و با دستاویز قرار دادن نتایج خفت بار جریان گر و گانگی هر نوع مبارزه ضد امپریالیستی توده ها را محکوم و تخطئه کنند. هدف اصلی لیبرالها روی کنار آوردن دولتی ست که در جبهه ضد انقلاب جها ن، ایران را بصورت متحد قابل اطمینان امپریالیسم در صحنه سیاست بین المللی در آورد. اینست جنبه دیگر آن خطری که جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران را مورد تهدید جدی قرار داده است. بسودن مبارزه علیه این دشمنان انقلاب نمیتوان جنبش توده ای برای کسب آزادی و دموکراسی را بطور اصولی و بدرستی رهبری نمود. اکنون لیبرالها و در راستای رئیس جمهوری می کنند جنبش ربه گسترش توده ها برای کسب آزادی و دموکراسی را در چارچوب منافع طبقاتی بورژوازی محدود کرده و از بنامه نیرومندترین اهرم جهت دست یافتن به قدرت استفاده کنند. و اکنون بسیاری از توده های راکه از جنبش رویگردان شده اند بصوی خود طلب کرده است. نفوذ سیاسی او در میان توده ها نسبت به گذشته قابل قیاس نیست. در واقع همانقدر که حزب جمهوری اسلامی بطول این مدت موقعیت گذشته خود را از دست داده بنی صدر توانست با تکیه ظاهری بر دموکراتیک، بوجه سیاسی کسب کند. او حتی در سخنرانی ۲۲ بهمن از ضرورت حیاتی دموکراسی و آزادی برای کارگران و دهقانان سخن میمان آورد!! البته این تعجب آور نیست زیرا لیبرالها هنگامیکه در آستانه بنیرون رانده شدن از هیات حاکمه قرار دارند میتوانند همگونه سخنان انقلابی را نیز بر زبان آورند. هم اکنون بنی صدر با وجود آنکه جناحی از قدرت حاکمه محسوب میشود و در عین حال قویترین کمونیتها را فراموش نمی کند. او حزب جمهوری اسلامی را از کمال حمله به سوی لیسم و کمونیزم موردتهاجم قرار میدهد. تاریخ ما در چرخه بکرات نشان داده است که لیبرالها همواره در صف دشمنان نیروهای سوسیالیستی نیز دموکراتهای انقلابی قرار

داشته اند. بهر حال از سخنان بالامیتوان به این نتیجه رسید که علیرغم آنکه رشد دموکراتیک به روندی عینی و پرشتاب در مبارزه توده ای بدل گشته است اما بعلمت آنکه طبقه کارگر ایران بمثابه طبقه اساسا مستقل رهبری جنبش دموکراتیک را در دست ندارد و بخشی از توده ها به دنباله روی از لیبرالها کشیده می شوند. نکته دیگر اینست که رشد این روند یعنی تکامل مراحل دموکراتیک در جنبش توده ای از یک سو و یزوله شدن حزب جمهوری اسلامی که در سراسر ایران بعنوان حزب چماق داران شهرت یافته است، از سوی دیگر در آینده، حکومت را وادار به اعمال خشونت بیشتر و سرکوب گسترده تر میکند. حزب جمهوری اسلامی در آینده تلاش خواهد کرد سیاست تکیه بر نیروی اسلحه، شکنجه، ترور و اختناق را در سطح وسیعتری بکاربرد. این حکومت برای حفظ خود مجبور خواهد شد تا لایون و توده ها را با شدت بیشتری سرکوب کند اما این نیروی سرکوب هر چه قدر هم که لجام گسیخته و وحشیانه اعمال شود نمیتواند بطور سیستماتیک اقتدار و نظم و امنیت دلخواه خویش را برقرار سازد. این امر نه تنها بدلیل عدم کارائی و ناتوانی حزب بلکه اساسا بدلیل رشد مبارزه طبقاتی و جنبش و جوش وسیعی است که در زندگی توده ها دیده میشود. اقدامات فاسد گسیخته حزب تنها باعث تزلزل روز افزون موقعیت سیاسی حزب خواهد شد.

پس از وقوع حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران، مرحله جدیدی در روند درگیریهای دوجناخ آغاز شد. در حقیقت میتوان درگیری ۱۴ اسفند را نقطه عطفی در این روند بشمار آورد. در این روز هیچکس انتظار نداشته که رئیس جمهور بعنوان فرمانده کل قوا افرمان حمله به طرفداران حزب الله و چماق داران را صادر کند. حزب از این حمله غافلگیر نشود و رهبران آن شدیداً خشمگین شدند. از آن پس بنی صدر آماج شدیدترین حملات قرار گرفت. بنی صدر این حملات را بوسیله برپا کردن تظاهرات و اجتماع در مقابل کاخ دادگستری پاسخ داد. او صریحا و بی پرده حزب جمهوری را رهبر سازمانده چماق داران نامید. انعکاس این جریان در مجلس نیز بسرعت آشکار شد. درگیریهای قلبی درون مجلس به رو بدولت کردن فحش و ساز تبدیل شد. در جریان ایستراکسیون مجلس (مجلس را اکثریت انداختن) بنی صدر نمایندگان لیبرال، چیزی نماند بود که درگیریهای لفظی به نزاع و درود خورد آریها با طرفداران حزب منجر شود. طرح تصویب لایحه دوفوریتی در بسیاری سرپرستی وزارتخانه های بدون وزیر توسط رجا جی قدم دیگری بود که حزب بمنظور محدود کردن قدرت بنی صدر برداشت. چنین بنظر می رسد که بنی صدر در آینده ای نزدیک استعفای او و پس از برکنار شدن او، اگر چه برکناری بنی صدر نمیتواند بمعنای برکناری کامل لیبرالها از دستگاههای دولتی باشد اما با واقع پس از حذف رئیس جمهور لیبرالها دیگر بعنوان یکی از دوجناخ اصلی هیات حاکمه تلقی نمی شوند. پس از برکناری بنی صدر تنها کاریکای توری از قدرت و نیروی قلبی لیبرالها باقی خواهد ماند. در این میان علاوه بر نقش خمینی که تاکنون از آنها نظر قطعی برهیز کرده است، تناقضات نیروهای مختلف نقش بسزایی ایفا می کند.

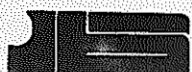
رهبران حزب از سکوت نسبی خمینی نا راجتند. آنها منتظرند تا خمینی با یک فرمان دستکم پست فرماندهی کل قوا را از کف بنی صدر بیرون آورد. پس از ۱۴ اسفند رهبران حزب بنی صدر را متهم به بسیج و سازماندهی ضد انقلابیون و مسلمانان رژیم شاه و صدور حمله به تبلیغات خود را بر روی خلق میدانند. حزب متمرکز کرد. تنها اقدام عملی آیت الله خمینی دستوری در مورد بررسی جریان ۱۴ اسفند توسط دستگاه

قضای کشور بود. بنی صدر نیز تهدید کرد که چنانچه این بررسی منجر به محکوم کردن او گردد از مقام خود استعفا خواهد داد. او با این امر پی برده است که عقب نشینی در برابر حزب بنی صدری سیاسی وی را بدنبال خواهد داشت. او هنگامیکه حسن کند که دیگر فا در به مقابله نیست، استعفا خود را از کلیه پستهای دولتی اعلام خواهد کرد.

اکنون پرسشهایی که برای همگان مطرح شده است اینست که آیا بنی صدر استعفا خواهد داد یا برکنار خواهد شد؟ این کار به چه صورت و کی عملی خواهد شد؟ در صورت در واقع سیاسی ایران چه تغییراتی حاصل خواهد شد؟ روند جدیدیکه در مناقشات دوجناخ آغاز گشته است میتواند شبه سقوط بنی صدر منجر شود و بر وجود بنی صدر بعنوان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا حزب جمهوری را به نا بودی سوق میدهد. هیچ چیز نمیتوانست با این سرعت و با این اندازه دستگاه قضایی، مجلس، کابینه و ارگانهای تبلیغی رژیم را در انظار توده ها به اعتبار سازد. هر قدر که زمان میگذرد، نفوذ حزب و پیایگاه ولایت فقیه در میان توده ها با سرعت شگفت انگیز و بعدا دی با بقای در هم می شکند. از سوی دیگر هر چه برکناری بنی صدر برتر صورت گیرد تا آنکه بنی صدر و ترور بیس مشکلات را گذشته میگذرد. خمینی هم دیگر فا در نیست به نقش میا نخی گرانده خواهد داد. او به دهد. زیرا با وجود بنی صدر وحدتی را که اوموعظه میکنند تنها به قیمت نابودی ولایت فقیه میتوانند آدامه یابد. آنهم بصورتی که تاکنون شاهدش بودیم. چنانچه خمینی بنی صدر را محکوم کند بنی صدر نه سیاسی و قانونی بنی صدر از وی سلب خواهد شد. اما این کار عواقبی برای حزب جمهوری در بر دارد که بسیار سنگینتر از شرایط کنونی است. حکومت جمهوری اسلامی دچار تناقضات همه جا نیه ای شده است. بنی صدر و بورژوازی لیبرال ایران نماینده ای را در حکومت برای خود دست و پا کرده است که هیچگاه در گذشته نمیتوانست تصور کند. بنی صدر کسی است که در رو در رویی با حزب ترس و یزدانی بازرگان را بخود راه نداده. او توانست بسیاری از اقشار در میان جامعه را بصورت خود طلب کند. منافع و مطامع بورژوازی لیبرال اکنون عمدتا درسیاستها و اقدامات شخصی وی متبلور میشود که به فتنه تبلیغات سیاسی بنی صدر و موعظه گران حزب مسلط است. او نیروهای راکه حمایت از خود کیشا نده است که قبلا با شور و حرارت از یاد لوصفی به پشتیبانی از حزب مشغول بودند. شمسی ای او چنان است که به وی اجازه میدهد پیش از حمله گریه های هر بورژوا منافع و خواستهای طبقاتی خود را در قبال منافع واقعی توده ها به خورد مردم بدهد. اکنون حزب حتی با حمایت خمینی هم نمیتواند از موضع قدرت، آنطور که در مورد کا بینة بازرگان عمل کرده، بنی صدر را برکنار کند. برخلاف مقطع گروگانگیری اوضاع بزبان حزب تحول می یابد.

بدون شک برکناری بنی صدر در این شرایط بحران، موجب بروز یکسلسله درگیریهای عا دوا اعتراضات شدید خواهد شد و روند تصفیه حزب و بسا اعتبار شدن آنرا تسریع خواهد نمود. تصفیه بحران اقتصادی و سیاسی در چشم انداز آینده، توده های وسیع مردم را بیش از پیش به عرصه مبارزه خواهد کشید.

امروز هر چند هدف بندی طبقاتی در جنبش شکل مشخص تری بخود گرفته و نیروهای مختلف اجتماعی با تشکیل نسبی طبقاتی در برابر یکدیگر صف آراشی کرده اند، اما هنوز صف انقلاب و ضد انقلاب مخدوش است و نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در دو صف کاملاً متمازن و روی روی یکدیگر قرار نگرفته اند. در چنین شرایطی و اوضاع انقلابی بما حکم میکند که هر چه پیشتر در جهت ایجاد صف مستقل طبقه کارگر مبارزه با تفرقه و پراکندگی جنبش کمونیستی و ایجاد بلوکی از نیروهای انقلابی در عرصه مبارزه طبقاتی بکوشیم.



بررسی اوضاع سیاسی و رهنمودهای به هواداران

بقیه از صفحه ۱۸

ما دام که نیروهای انقلابی نتوانند آلترناتیو سوسیالیستی در برابر توده‌ها تشکیل داده و خط و مرزهای نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را بطور قاطع مشخص نموده و صف بندیها را متمایز گردانند نمی‌توانند لیبرالها را بی‌زوله کرده و از دنیا له‌روی دموکرات‌های انقلابی جلوگیری نمایند. در ایمن صورت ما قادر نخواهیم بود، تخیلی‌ری اساسی در تناسب نیروهای طبقاتی به نفع انقلاب بوجود آورده و ما تبع سردر گمی توده‌ها و کشیده شدنشان بدنبال جناحهای فدا انقلابی شویم.

وظیفه انقلابی حکم می‌کند که با هوشیاری انقلابی خود را برای مقابله با تحولات سیاسی آینده و شرکت هر چه فعال‌تر در عرصه مبارزه سیاسی جهت سازماندهی و رهبری مبارزات توده‌ای آماده سازیم. سرهت روزافزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش‌بینی کامل رویدادهای مختلف را غیرممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آماده مقابله با رویدادهای پیش‌بینی نشده و احتمالی باشند.

بدون شرکت فعال و همه‌جانبه در عرصه مبارزه سیاسی در تکرار نهادهای شدیدی سیاسی و اجتماعی آینده قادر به رهبری و سازماندهی توده‌ها نخواهیم بود. در این شرایط حساس و وظایف بس خطیر و سنگینی بر دوش هر عنصر انقلابی قرار دارد. باید کوششهای خود را دو چندان کرده و تمامی توان و انرژی نیروها را برای پاسخگویی به وظایف انقلابی بکار بگیریم.

با توجه به آنچه گفته شد ما سازمان را میخواهیم بسته به توان و امکانات خویش رهنمودهای زیر را بکار ببندد:

۱- در هر کجا که هستند، کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله، اداره و... بطور فعال در مبارزات توده‌ها شرکت کنند. در جهت سازماندهی ایمن مبارزات و ارتقاء شمارا بکوشید. هر کجا مبارزهای جریان دارد در صرف مقدم آن قرار بگیرید.

۲- در اجتماعات، میتینگها، سخنرانیها، راهپیماییها و غیره شرکت کرده و به تبلیغ نظریات سازمان بپردازید. تجربه نشان داده است که حتی در میتینگها کسی که از وی جنبه‌های مختلف حاکمیت بر گزار می‌شود زمینه و امکان تبلیغ وسیعی بین جمعیت موجود است. البته باید توجه داشت که شکل تبلیغ در همه جا یکسان و مشابه نیست و باید بسته به اوضاع و احوال روشها و اشکال مناسب تبلیغ را یافت و بکار بست. با فتن اشکال مناسب نیز از مندرجات و ابتهکار سیاسی است و وفقایی هوا دار باید در این زمینه توجه لازم را مبذول دارند. چه بسا مشاهده کرده ایم که اتحاد شکل و روشهای نامناسب برای تبلیغ ایده‌های صحیح حتی موجب بروز عکس العمل منفی توده‌ها گردیده است.

۳- تبلیغ و ترویج وسیع و گسترده اهمیت بسیاری دارد و لازم حضور فعال سیاسی در عرصه مبارزه است. تبلیغ شفاهی و کتبی بسته به شرایط مختلف باید بطور گسترده صورت گیرد. صحبت و بحث در کارخانه، مدرسه، مزرعه، محل تجمع توده‌ها در گذرها و حوض دکه‌ها و غیره در این شرایط از بردباری بی‌خوردن راست و در تبلیغ ایده‌های صحیح در میان توده‌ها وسیله بسیار موثری است. در هر جا که توده‌ها جمع میشوند باید به تبلیغ شفاهی پرداخت. تبلیغ کتبی میتواند با شمار نویسی بر روی دیوارها، پخش نشریه‌ها، اعلامیه و تراکت‌های سازمان و در صورت امکان تکثیر

زدوبند جمهوری اسلامی با سرمایه داران

به نخل از سومین شماره "خبر"، نشریه، شاخه گیلان سازمان

مزایا و بیمه شدن بودند اخراج کرده و به جای آنها افرادی را با حقوق اندکی استخدام میکنند و رزانه تا ۱۵ ساعت نیز از آنها کار میگیرد. لازم به تذکر است که اخیرا رفیعیان یک باب مغازه را مغانا به آقای محمودی مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران و معلم تعلیمات دینی آستا را می‌دهند تا به این ترتیب حمایت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین گردد.

آستارا - در کارخانه آرد سفید که متعلق به سرمایه داری بنام رفیعیان است کارگران خواستار دریا نیستند. مزایای حق اولاد و بیمه هستند و رفیعیان صاحب کارخانه در جواب به کارگران میگوید: اگر شما را بیمه کنم حقوق شما کم میشود و در ضمن کارکم است و تمام سود تنها به من نمیرسد بلکه کمیته و فرماندار هم در آن سهیمند؛ وی کسانی را که خواهان دریا نیستند

پیشگام دانش آموز

نشریه سیاسی - صنفی دانش آموزان پیشگام منتشر شد

اسلامی بر سر راه فعالیتها سیاسی و صنفی دانش آموزان پدید آورده است، هنوز هم مدارس یکی از فعالترین وزنده ترین گاوتهای بحث و مباحثه است. صنفی است در چنین شرایطی انتشار یک نشریه ویژه دانش آموزان که بتواند بحمای آنها پاسخ گوید، بی توفیق رهنمود دهد، و سطح آگاهی آنها را بالا برده و ضروری بود، با این امید که رفقای تحریریه پیشگام مدرسه و این وظایف خود توفیق یابند، و هم دانش آموزان سرا ایران را پیشگام دانش آموزان نشریه خود بداند.

انتشار نشریه پیشگام مدرسه را پیش گسترش و اعتدالی جنبش توده‌های از سوی رفقای پیشگام کامی است جدید در جهت پاسخگویی بحماقت که جنبش دانش آموزی با آن روبروست. نقش و اهمیت که دانش آموزان میهن ما با کمیت بسیار عظیم خود چه پیش از قیام و چه پس از آن در جنبش توده‌های ایران پیدا کرده اند، برگسی پوشیده نیست. اوضاع بحرانی سیاسی جامعه و وسیع توده‌های دانش آموز را بعرصه مبارزات سیاسی کشانده است، و علیرغم محدودیتها که رژیم جمهوری

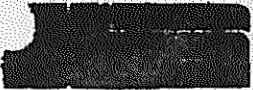
مرکز بر امریالیسم جهانی بسرکردگو امپریالیسم آمریکا
و یابگاه د خلیستی

نشریه دانش آموزان

سال اول شماره ۱
شماره ۲۰ اسفند ۵۹
صفحه ۱۰ - روز

<h3>ضرورت انتشار پیشگام دانش آموز</h3> <p>بدره ایام شکوه و شرف ایران و پیشگامی که در روزهای مبارزه ما با امپریالیسم آمریکا و سربازان امپریالیسم آمریکا در روزهایی که ما با آنها می‌جنگیم و در راه مبارزه با امپریالیسم آمریکا در روزهای مبارزه ما با آنها می‌جنگیم...</p>	<h3>چماق و چماقداری</h3> <p>بسیار است که در روزهای مبارزه ما با امپریالیسم آمریکا در روزهای مبارزه ما با آنها می‌جنگیم...</p>	<h3>انحلال مدارس نمودی دیگر از ورشکستگی سیاستهای رژیم در مدارس</h3> <p>در روز که میگردانند و آنرا از دست می‌دهند و آنرا از دست می‌دهند...</p>
<h3>چماق و چماقداری</h3> <p>بسیار است که در روزهای مبارزه ما با امپریالیسم آمریکا در روزهای مبارزه ما با آنها می‌جنگیم...</p>	<h3>انحلال مدارس نمودی دیگر از ورشکستگی سیاستهای رژیم در مدارس</h3> <p>در روز که میگردانند و آنرا از دست می‌دهند و آنرا از دست می‌دهند...</p>	<h3>چماق و چماقداری</h3> <p>بسیار است که در روزهای مبارزه ما با امپریالیسم آمریکا در روزهای مبارزه ما با آنها می‌جنگیم...</p>

هر چه مستحکم‌تر باد پیوند دانش آموزان انقلابی با توده‌های زحمتکش



خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

خودبا زگشتند.

با نه - در درگیریهای اخیر طرف با نه حدود پنجاه پاسدار کشته شده است و پاسداران که از این ضربه های متوالی جنبش خلق کرد به وحشت افتادند به تهران گزارش دادند که هر چه زودتر در مورد بمباران روستاهای اطراف با نه - سردشت - بوکان و مها با اقدام شود و گرنه ما پاسداران "انقلاب اسلامی" در کردستان نمی مانیم. دیواندره - بدنبال درگیری پاسداران و جاش ها با پیشمرگان بین راه دیواندره و رستای زاغه که منجر به کشته شدن چند پاسدار و جاش شد. پاسداران با پوشیدن لباس کردی به روستای زاغه رفتند و وانمود کردند که از پیشمرگهای انقلابی خلق کرده ستند. آنها بعد از آزار و اذیت مردم از هسر خانواده ها ۱۰ هزار تومان پول طلب کردند. پاسداران روستای ن زحمتکن را تهدید کردند که اگر مبلغ مذکور به آنها داده نشود تمام روستا را قتل عام میکنند. بعد هم مقداری پول و اشیاء قیمتی روستای ن را غارت کردند، و از ده خارج شدند.

همراه با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی در کردستان بلندگوهای تبلیغاتی رژیم سعی در وارونه جلوه دادن مبارزات بحق زحمتکشان کردند. اما واقعیتهاى ملموس جنبش خلق کرد مشت محکمی است بردهان این باوه گویان و سندیست برحقانیت مبارزات حق طلبانه توده های زحمتکش کرد.

سندج - در تاریخ ۲۹ بهمن پنجشنبه شب چهل نفر از پیشمرگان حزب دمکرات به داخل شهر سندج میروند و مورد استقبال توده های مردم قرار میگیرند. در ظرف نیم ساعت حدود دوهزار نفر دور پیشمرگان جمع میشوند و به راهپیمائی میپردازند. در این شب پیشمرگان در داخل شهر دست به عملیاتی زدند از جمله، ابتدای جاش را به گروگان گرفته و خانه اش را منفجر کردند و لحظاتی بعد در خیابان ششم بهمن سابق پاسداران سرمایه و جاشهای خود فروخته درگیر شدند. در این درگیری چند جاش و پاسدار کشته و زخمی شدند، همچنین یک پیشمرگ از ناحیه دست مجروح شد و بقیه به پایگاه

درگیری های اخیر لاهیجان

در این درگیریها دوفنرشهید و عده ای مجروح شدند.

فردای آن مردم با دیدن آثار بیورش و وحشیانه این افراد، مغازه ها را تعطیل کردند و بعنوان اعتراض ابتدا به جلو شهرداری و بعد جلوی فرمانداری رفتند. فرماندار میخواست از مردم تعهد بگیرد که مانع فروش نشریات سیاسی شوند! در ضمن گفت چقدر آن را به او معرفی کنند. مردم که او را میشناختند و پی به حیله های او برده بودند، بشدت اعتراض کردند و گفتند "چقدر پشت سر خود شماست و از ما سراغ را میگیرید؟". مردم از آنجا به اداره پست رفتند تا اعتراض خود را طی تلگراف بسرای ارگانهای دولتی بفرستند.

روز پنجشنبه چهاردهم اسفند، بازاریان لاهیجان، مردم را به اجتماع در بازار دعوت کردند. در این روز هم فالانژها به مردم حمله میکنند. مغازه داران تصمیم میگیرند تا رسیدگی به خواسته هایشان مبنی بردستگیری عوام مسل اشوب طلب و چاقو دار، تا مین امنیت شهر و جبران خسارت های وارده، همچنان مغازه های خود را بحالت تعطیل نگاهدارند.

درگیری های اخیر لاهیجان منجر به شهادت دوفنروز خمی شدن تعدادی از اهالی این شهر شد. در این درگیری ها بیست و پنج نفر نیز دستگیر شدند.

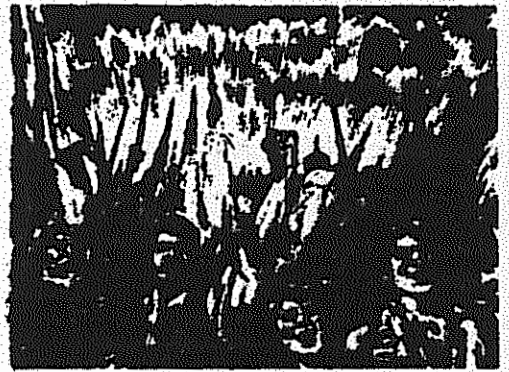
ما چرا از یازدهم اسفند ما بدنبال حمله تعدادی از چاقو داران به نیروهای مترقی شروع شد. این عناصر به کسانیکه نشریات سازمانهای سیاسی را می فروختند حمله کردند ما با حمایت مردم و مغازه دارهای محل در خیابان اصلی شهر - از این نیروها مواجه گشته و مجبور به فرار شدیم. سه روز بعد پاسداران در همان محل در صد دستگیری دودختر که نشریه های مجاهد و روزمندگان را میفروختند، برآمدند مردم بی حس حمایت برخاستند و سرانجام موفق شدند دخترها را آزاد و پاسداران را وادار به عقب نشینی کنند. بعد از ظهر فالانژها با چاقو و چماق و اسلحه به مردم حمله کردند و غروب نیز با تفاق افراد بسیج و تحت حمایت پاسداران شهر را به قرق خود درآوردند، آنها به دسته های چند نفری تقسیم شدند و هر کدام در یک گوشه دست به آزار مردم و تخریب زدند. در این حمله، در خیابان اصلی شهر حدود چهارده مغازه خراب شد.

بقیه در صفحه ۱۷

یکصد و دهمین سالگرد

کمون پارسیس

اولین حکومت کارگری جهان



یکصد و دهم سال از کمون پارسیس و تشکیل اولین حکومت کارگری در جهان میگذرد. کمون پارسیس نمونسه شکوهمندترین جنبش پرولتری قرن نوزدهم است که با وجود همه اشتباهاتش پیش از انقلابات اجتماعی جهانی بشمار میاید.

در ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) ۱۸۷۱ طبقه کارگر فرانسه به همراه سایر اقشار زحمتکش بیخاست و نخستین حکومت کارگری جهان را بوجود آورد. این اولین اقدام عملی و جدی طبقه کارگر برای سرنگونی بورژوازی و برقراری حکومت کارگری بود. گرچه کمون سرکوب شد و حکومت کارگری بیش از ۷۲ روز دوام نیاخت، ولی آموزشهایی که از تجربیات کمون بدست آمده باعث تکوین تئوری انقلابی دولت و دیکتاتور پرولتاریا گشته و راهنمای مبارزات طبقاتی در طی صد و سه سال اخیر گردید.

در سال ۱۸۵۱ لوئی بناپارت بنا کودتای خود به انقلاب ۱۸۴۸ پایداد و فرانسه ۱۸ سال زیر یوغ رژیم بناپارتنی رفت. در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ جنگ بین فرانسه و آلمان در گرفت ارتش فرانسه که از ارتش آلمان شکست های سختی خورده بود در ۲ سپتامبر درسدان متلاشی گردید و ناپلئون سوم (لوئی بناپارت) اسیر شد. در چهارم سپتامبر کارگران و زحمتکشان پارسیس رژیم سلطنتی را ساقط و حکومت جمهوری را اعلام کردند. در این زمان دسته ای توطئه گر که تیروترو شو، ژنرالهای مرتجع لوئی بناپارت در رأس آن بودند شهرداری پارسیس را اشغال کرده و دولت بورژوازی "دفاع ملی" را که در واقع دولت "خیانت ملی" بود تشکیل دادند. اما در پارسیس در جنگ بین فرانسه و پروس بقیه در صفحه ۱۶

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر